

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام صادق علیه السلام:

«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا ...»

«کسی که دیگری را از گمراهی به راه راست درآورد، مانند این است که او را زنده کرده است ...»

الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موهیم که آسودگی ما عدم ماست

مهارت‌های

تدریس

و

تربیت اسلامی

تألیف: حسن مشکاتی

سرشناسه	: مشکاتی، حسن، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: مهارت‌های تدریس و تربیت اسلامی / تالیف حسن مشکاتی.
مشخصات نشر	: اصفهان: تنها مسیر، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۱۹-۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۰۳ - ۱۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: اسلام و آموزش و پرورش Islamic education تعلیمات دینی Religious education کلاس‌داری Classroom management تدریس Teaching
رده بندی کنگره	: ۱۸/BP۲۳۰
رده بندی دیویی	: ۴۸۳۷/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۱۱۲۰۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



مهارت‌های تدریس و تربیت اسلامی حسن مشکاتی

=====

انتشارات تنها مسیر

مدیر تولید: عبدالرسول ملک احمدی

تنظیم کننده و صفحه آرا: اکرم شادانی فر

سال و نوبت چاپ: ۱۴۰۳ / اول

تعداد صفحه: ۱۰۶ص

شمارگان: ۱۰۰



فهرست مطالب

مقدمه..... ۱۱

فصل اول: کلیات

- ۱. تعاریف تعلیم..... ۱۴
- ۲. تعاریف تربیت..... ۱۵
- ۲-۱. معنای لغوی..... ۱۵
- ۲-۲. معنای اصطلاحی..... ۱۵
- ۲-۳. از دیدگاه روانشناسی: ایجاد تغییرات مثبت در فراگیر..... ۱۵
- ۲-۴. از دیدگاه معارف اسلامی..... ۱۶
- ۳. مفهومی‌شناسی تعلیم و تربیت..... ۱۸
- ۳-۱. «تعلیم و تربیت» چیست؟..... ۱۸

فصل دوم: مهارت‌های تعلیم و تربیت

- ۱. مهارت اول: مهارت «سیر تربیت»..... ۲۲
- ۱-۱. مرحله اول: پذیرش (جذب)..... ۲۲
- ۲-۲. مرحله دوم: حفظ فراگیر..... ۲۳
- ۳-۳. مرحله سوم: سازندگی (ساخت)..... ۲۴
- ۴-۴. مرحله چهارم: کارآیی..... ۲۴
- ۲. مهارت دوم: مهارت « تربیت در ابعاد انسانی»..... ۲۵
- ۲-۱. تربیت جسمی..... ۲۵
- ۲-۲. تربیت اجتماعی (تشکیل شخصیت)..... ۲۶
- ۲-۳. تربیت عاطفی..... ۲۸
- ۲-۴. تربیت اخلاقی (تأمین هویت)..... ۲۹
- ۲-۵. تربیت انسانی (ساخت هویت مطلوب)..... ۳۰
- ۳. مهارت سوم: مهارت « تشکیل نگرش و عقیده»..... ۳۰
- ۳-۱. « تشکیل نگرش»..... ۳۰
- ۳-۱-۱. تعریف «نگرش»..... ۳۰
- ۳-۱-۲. تعریف و معنای «تشکیل نگرش»..... ۳۱
- ۳-۱-۳. « تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت..... ۳۲
- ۳-۱-۴. کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا):..... ۳۳



- ۳۴ محور اول: تشکیل نگرش نسبت به خود.
- ۳۷ محور دوم: تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی.
- ۳۷ محور سوم: تشکیل نگرش نسبت به خداوند.
- ۳۸ محور چهارم: تشکیل نگرش نسبت به مرگ و پس از آن.
- ۴۰ ۳-۲ «تشکیل عقیده»
- ۴۰ ۳-۲-۱. تعریف «عقیده»
- ۴۰ ۳-۲-۲. تعریف و معنای تربیت «تشکیل عقیده»
- ۴۱ ۳-۲-۳. تحلیل «تشکیل عقیده» در تعلیم و تربیت.
- ۴۴ ۴. مهارت چهارم: تأمین «هویت» و «تشکیل شخصیت»
- ۴-۱. آیا شخصیت (ظاهر) تابع هویت (باطن) است و یا هویت تابع شخصیت؟ و یا هر دو بر هم تأثیر
یکسان؟ و یا یکی بیشتر از دیگری تأثیر دارد؟
- ۴۵ ۴-۲. تربیت اسلامی چه می گوید؟
- ۴۶ ۴-۳. آسیب شناسی هویت و شخصیت.
- ۴۷ ۴-۳-۱. پیشگیری
- ۴۸ ۴-۳-۲. درمان
- ۴۹ ۵. مهارت پنجم: مهارت «ایجاد هدف»
- ۴۹ ۵-۱. اهمیت، ضرورت و فواید ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر.
- ۴۹ ۵-۲. کاربرد ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا).
- ۵۱ ۶. مهارت ششم: مهارت «ارزشگذاری»
- ۵۱ ۶-۱. تعریف
- ۵۱ ۶-۲. ارزش شناسی
- ۵۲ ۶-۳. کاربرد ارزشگذاری در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا).
- ۵۳ ۷. مهارت هفتم: مهارت «محبت نمودن»
- ۵۴ ۷-۱. نکات کاربردی روش محبت
- ۵۶ ۸. مهارت هشتم: مهارت «ایجاد جو حسن و قبح»
- ۵۶ ۹. مهارت نهم: مهارت «ایجاد شرایط و محیط مطلوب»
- ۵۶ ۹-۱. مفهوم شناسی
- ۵۷ ۹-۲. انواع شرایط و محیط
- ۵۸ ۹-۳. عوامل تشکیل دهنده شرایط و فضای مطلوب
- ۵۹ ۹-۴. کاربرد شرایط و محیط در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا).



۱۰. مهارت دهم: مهارت «ایجاد شاکله تفکر صحیح»..... ۶۲
- ۱-۱۰. مفهوم‌شناسی «تفکر صحیح»..... ۶۲
- ۲-۱۰. فواید «تفکر صحیح»..... ۶۴
- ۳-۱۰. کاربرد ایجاد «تفکر صحیح» در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)..... ۶۵
- ۴-۱۰. منشأ «تفکر صحیح»..... ۶۶
- ۵-۱۰. «تفکر صحیح» در متون اسلامی..... ۶۸
۱۱. مهارت یازدهم: مهارت «تربیت دینی»..... ۷۲
- ۱-۱۱. مفهوم..... ۷۲
- ۲-۱۱. «تربیت دینی» چگونه حاصل می‌شود؟..... ۷۲
۱۲. مهارت دوازدهم «مهارت‌های ناظر به اهداف رفتاری»..... ۷۳
- ۱-۱۲. مهارت «ایجاد رفتار تازه»..... ۷۳
- ۲-۱۲. مهارت «افزایش رفتار موجود»..... ۷۴
- ۳-۱۲. مهارت «نگهداری رفتارهای مطلوب»..... ۷۴
- ۴-۱۲. مهارت «تقلیل یا محو رفتارهای نامطلوب»..... ۷۶
- ۵-۱۲. مهارت «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب»..... ۷۸

فصل سوم: مهارت‌های تدریس

۱. مهارت «طراحی آموزشی»..... ۸۲
- ۱-۱. «طراحی آموزشی» چیست؟..... ۸۲
- ۲-۱. اصول «طراحی آموزشی» در تدریس و کلاس‌داری:..... ۸۲
- ۳-۱. کاربرد «طراحی آموزشی» در تدریس و کلاس‌داری:..... ۸۳
۲. مهارت «شناخت فراگیر»..... ۸۸
- ۱-۲. یکی از ضروری‌ترین وظایف مدرس شناخت فراگیر است..... ۸۸
- ۲-۲. زمینه‌های شناخت:..... ۸۸
۳. مهارت «ارتباط»..... ۸۸
- ۱-۳. مفهوم‌شناسی فرآیند ارتباط..... ۸۹
- ۲-۳. ارتباط در فرآیند تدریس..... ۸۹
- ۳-۳. تحلیل ارتباط در فرآیند تدریس..... ۸۹
- ۴-۳. روش‌های ارتباطی..... ۹۰
۴. مهارت «جریان‌ات حاکم بر مدار کلاس»..... ۹۲



- ۴-۱. رابطه و جریان آموزشی و یادگیری..... ۹۲
- ۴-۲. ارتباط عاطفی..... ۹۲
- ۴-۳. رابطه فکری..... ۹۲
- ۴-۴. جریان تربیتی..... ۹۳
- ۴-۵. «تعامل احساسی - شناختی»..... ۹۳
- ۴-۶. جریان های دیگری نیز ممکن است در یک کلاس یا محیط های آموزشی برقرار شود. از قبیل
- جریان های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی..... ۹۴
۵. مهارت «آشنایی و استفاده از ادبیات فراگیر»..... ۹۴
۶. مهارت «رعایت نظم»..... ۹۴
۷. مهارت «معارفه»..... ۹۵
۸. مهارت «آماده سازی»..... ۹۵
۹. مهارت «محتوای تدریس»..... ۹۶
- ۹-۱. محتوای تدریس چیست؟..... ۹۶
- ۹-۲. نحوه ارائه محتوا:..... ۹۶
- ۹-۳. اجزای محتوا:..... ۹۷
۱۰. مهارت «داشتن جذابیت ها»..... ۹۸
۱۱. مهارت «استفاده از محرک ها»..... ۹۸
۱۲. مهارت «شکل دهی ذهن فراگیر با نماد»..... ۹۹
۱۳. مهارت «مشارکت فراگیر»..... ۱۰۰
۱۴. مهارت «ایجاد روحیه نشاط در کلاس»..... ۱۰۰
۱۵. مهارت «بازنگری»..... ۱۰۱
۱۶. مهارت «اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش»..... ۱۰۲
۱۷. مهارت «استفاده از مقررات»..... ۱۰۳
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۰۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكَتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا

سخن ناشر

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان، در راستای هدف محوری خود (تربیت نیروی کارآمد برای تبلیغ دین) و برای تحقق رهنمود اعلام شده از طرف رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر فراهم کردن زمینه نقش آفرینی اساتید و دانشجویان دانشگاه در جامعه جهانی، اقدام به تأسیس انتشارات نموده است.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت به منظور تأمین نیازهای علمی مخاطبان در سطوح مختلف، منشورات خود را در سه سطح «کتاب پژوهشی»، «کتاب درسی» و «کتاب عمومی» در حوزه علوم انسانی و اسلامی منتشر می کند.

مجموعه کتابهای سطح یک (کتاب پژوهشی) آثار فاخر علمی پژوهشی هستند که مخاطب آن اساتید و متخصصان در حوزه یاد شده می باشند. منابع درسی یا کمک درسی مورد نیاز دانشجویان در رشته های علوم انسانی و اسلامی، تحت عنوان مجموعه کتابهای سطح دو (کتاب درسی) منتشر می شوند. مجموعه کتابهای سطح سه (کتاب عمومی) به آثاری گفته می شود که با هدف ترویج علم و برای مخاطب عمومی منتشر می گردند.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت با تقدیر از مؤلف محترم و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همکاری کرده اند، این «کتاب درسی» را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

انتشارات

دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان



مقدمه

انسان کیست؟ از کجا آمده؟ چه باید انجام دهد؟ و بالاخره، به کجا می‌رود؟ در طول تاریخ، این سؤالات، همواره برای بشر مطرح بوده است.

انسان به رشد و تکامل نیازمند است و این مهم توسط دیگر انسان‌ها و در میان جامعه انسانی انجام‌پذیر می‌باشد. حاصل زیست بشر تاکنون این بوده است که: برای تعالی یافتن، جلوگیری از هدررفت و ضایع شدن توانایی‌ها و نیروهای عظیم و ارزشمند درونی، لازم است انسان تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد.

آیا گمشده ملت‌ها، و راه حل انواع مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... را در تعلیم و تربیت، نمی‌توان جستجو کرد؟ هر چه بر مفسد، جرم و جنایت‌ها و انواع مشکلات و ناهنجاریها افزوده شود، نیاز به تعلیم و تربیت بیشتر می‌شود.

در میان جامعه، و در هر زمان، لازم است انسان‌های تربیت شده‌ای باشند، تا انسان‌های دیگر را تحت تربیت خود قرار داده، تعالی بخشند. اینان مریبانی‌اند که به مصداق (... **أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَ قُرَادِي**)^۱ در راه او، به مهم‌ترین قیام‌ها، که همانا قیام به تعلیم و تربیت انسان‌هاست، دست می‌زنند. نقش حساس فرهنگ‌سازان و مریبان در جامعه به عنوان سازندگان انسان‌ها و قائمان لله، از آن جهت نمودار و روشن می‌گردد که کمبود یا نبود آنان در جامعه، مساوی است با سقوط ارزش‌ها، فقدان رشد و تعالی، بروز سنت‌های غلط، خرافات و انحرافات مختلف، فساد و فتنه و ...



در قرآن کریم بطور متعدد از تعلیم و تربیت بعنوان هدف بعثت پیامبر اسلام ﷺ ذکر شده و اولین آیات نازل شده قرآن، آیاتی بودند که تعلیم و تربیت را تعقیب می نمودند.

لذا بیشترین تلاش و کوشش انبیاء، اوصیای الهی و مصلحان، در طول تاریخ صرف این مهم شده، که با تعلیم و تربیت صحیح، فرد و جامعه را پرورش دهند.

کتاب حاضر، برای دروسی مانند کارگاه روش تدریس، مهارت های تعلیم و تربیت، مهارت های تدریس و تربیت اسلامی و مشابه (که از دروس دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام اصفهان می باشند) تدوین شده و برای دانشجویان رشته های دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد رشته های مرتبط با تعلیم و تربیت، علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، روانشناسی اسلامی و هم چنین برای همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت (والدین، برنامه ریزان، مدرسین، مربیان، دبیران، معلمان و ...) کاربرد و کارآیی لازم را دارا می باشد.

در پایان از خانم فروز دیانی از فارغ التحصیلان و مدرسین دانشگاه معارف قرآن و عترت علیه السلام که در تدوین، تنظیم و ویرایش این مجموعه همکاری نموده اند، تشکر می گردد.

امید است تلاش های ما در تربیت نسلی پویا و مهذب متمرکز گردیده، شاهد آینده ای درخشان برای دین، انقلاب و میهن اسلامی بوده و رضایت امام زمان علیه السلام را جلب نمائیم.

با تشکر

حسن مشکاتی

چاپ اول - تابستان ۱۴۰۳

فصل اول: کلیات

آنچه در فصل اول می‌خوانیم:

۱. تعاریف تعلیم

۲. تعاریف تربیت

از نظر لغوی

معنای اصطلاحی

از دیدگاه روانشناسی

از دیدگاه معارف اسلامی

۳. مفهوم‌شناسی «تعلیم و تربیت»

«تعلیم و تربیت» چیست؟



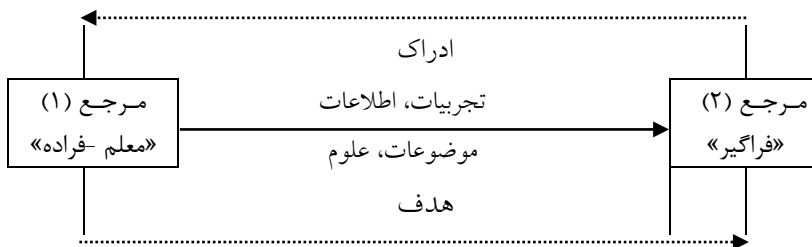
۱. تعاریف تعلیم

الف- ایجاد زمینه‌ها و عوامل برای اینکه فراگیر دانشی را واجد شود.

ب- انتقال اطلاعات، علوم و تجربیات از مرجعی به مرجع دیگر به طوری که فهمیده و ادراک شده و بر مبنای هدفی مشخص باشد.

با بازگو نمودن صرف یک مطلب، تعلیم حاصل نمی‌شود بلکه زمانی تعلیم به صورت واقعی خود انجام شده است که همراه با ادراک مطالب باشد. منظور از اهداف در انتقال مطالب نیز معمولاً اهداف کلی، مرحله‌ای و رفتاری می‌باشند. اکتفاکردن به بیان مطلب در تعلیم و عدم وجود ادراک در نظام آموزشی حاکم بر کشور، باعث مواجه‌شدن با مشکلات عدیده و عقب‌ماندگی در عرصه‌های مختلف می‌شود.

اجزاء و فرآیند تعلیم در شکل زیر مشخص گردیده است:



علت اینکه نقطه‌چین روی نمودار وجود دارد این است که هدف انتقال‌دهنده دقیقاً معلوم نیست و البته ادراک هم معلوم نیست بصورت کامل رخ دهد.

* می‌توان گفت: اگر ادراک رخ ندهد، تعلیم نیز رخ نداده است.^۱

۱. در این کتاب مواردی که با ستاره (*) مشخص گردیده و یا معمولاً زیر آن خط کشیده شده به جنبه‌های کاربردی آن مبحث اشاره دارد و برای مربي بعنوان یک اصل، روش یا قانون تربیتی تلقی گردد.



بعنوان مثال آموزش چهل حدیث و تنها حفظ آن از سوی فراگیران تنها آنان را در مدار تعلیم قرار می‌دهد و تربیت زمانی ایجاد می‌شود که مفاهیم احادیث به فرد رشد داده و به او ارزش دهد.

۲. تعاریف تربیت

تعاریف ذیل، که هر کدام از زاویه‌ی یکی از علوم بیان شده است:

۱-۲. معنای لغوی

اضافه‌نمودن و رشد و نمودادن

تربیت از نظر لغوی یعنی اضافه و زیادنمودن و رشد و نمودادن است.

*جنبه‌ی کاربردی مفهوم لغوی تربیت، یعنی هر روز چیزی اضافه شود و در بُعد غیر جسم و

درون، زیاد نمودن خصوصیات انسانی است.

۲-۲. معنای اصطلاحی

در مورد انسان به کار می‌رود و آن یعنی رشد، نمو و پرورش نهادهای درونی و رفتارهای

انسان است.

رشد ← نمو ← پرورش ← تربیت

رشد هم در مورد انسان صادق است، هم در مورد موجودات دیگر.

وقتی موجودی از جایی به جایی دیگر یا از وضعیتی به وضعیت دیگر حرکت کند، رشد

صورت گرفته است.

۳-۲. از دیدگاه روانشناسی: ایجاد تغییرات مثبت در فراگیر

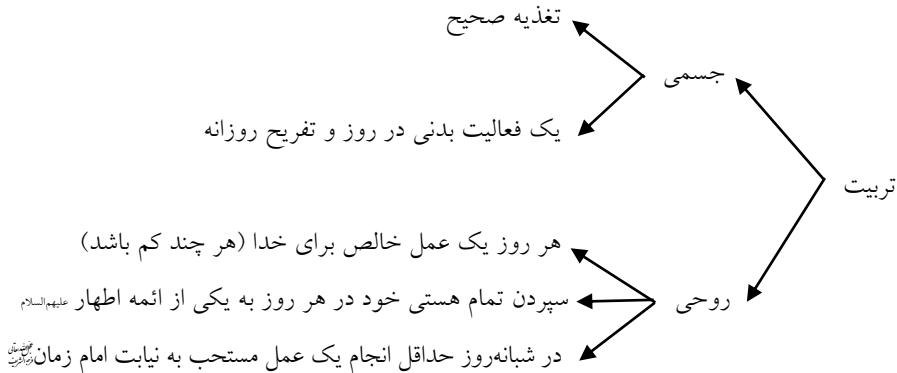
* تغییرات مثبت یعنی به وجودآوردن رفتار و عادات مطلوب و نیز ترک‌دادن رفتارها و

عادات ناهنجار. اگر مربی بتواند تغییراتی در فراگیر ایجاد نماید و این تغییرات پا برجا بماند،

تربیت انجام شده است.



به هر کاری که فرد انجام می دهد رفتار گفته می شود و رفتار تثبیت شده، عادت نامیده می شود. عادت، رفتار یا حالتی است تثبیت شده، که فرد بی اختیار مرتکب آن می شود.



عادات خوب: عاداتی که تحت برنامه و هدف باشند، منش و شاکله گردند، خوب هستند.

* مربی با تبدیل حالات، رفتارها و عادات ناهنجار به هنجار، فرد را در مدار تربیت قرار می دهد. لازم به ذکر است ایجاد و یا ترک هر یک از رفتار و عادات، با روشی جداگانه انجام پذیر خواهد بود. هدف مربی باید ایجاد تغییر (ایجاد یا ترک) در افراد باشد. تشویق، اهداء جوایز، برخورد مناسب و ... که مربی در برنامه خود قرار می دهد، از جمله اقداماتی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب انجام می پذیرد.

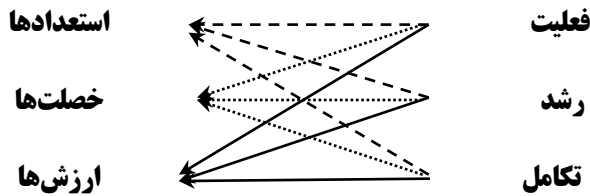
۴-۲. از دیدگاه معارف اسلامی

الف- به فعلیت درآوردن، رشد دادن و تکامل بخشیدن به؛ استعدادها، خصلت ها و ارزش های انسانی و درونی. (نظیر تفکر صحیح، خصوصیات فطری و ...)



قال الكاظم عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ عَلَى نَفْسِهِ فَهُوَ فِي النُّقْصَانِ وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَكْثَرَ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ.^۱

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر کس که در خود، افزایش و رشد نبیند، پیوسته در حال کاهش است و هر کس که بیشتر به نقصان گراید، برای او مرگ بهتر از زندگی است.



ب- کسب اخلاق حسنه

اخلاق حسنه: شاکله‌ای از خصلت‌ها و صفات درونی است که می‌تواند بدون دخالت مستقیم فکر ایجاد شده و منشأ رفتار شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: "انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق"^۲
«من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.»

ج- حاصل شدن ایمان

ایمان: ایمان معرفت و حالت قلبی است که بر اساس علم و شناخت و تهذیب و تزکیه درونی ایجاد می‌شود، شاکله ایمان نسبت به چیزی پس از ایجاد شاکله نگرش و عقیده نسبت به آن چیز حاصل می‌شود.

د- واجد شدن حسن عمل یعنی انجام کلیه اعمال و رفتارها بر اساس نگرش، عقیده،^۳ ایمان و اخلاق حسنه و بطور کلی زیستن فرد بر مبنای آنها.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۷

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲

۳. مفاهیم نگرش و عقیده در فصل دوم ذکر شده است.



(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ)^۱

آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و بخشنده است.

۳. مفهوم شناسی تعلیم و تربیت

۳-۱. «تعلیم و تربیت» چیست؟

۳-۱-۱. «تعلیم و تربیت»، مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است که انسان آگاهانه و از روی عمد (= تکلیف، رسالت، تعهد) و بر مبنای اصول و قوانین مشخص، برای رسیدن به اهداف و ارزش ها انجام می دهد. لذا آشنایی با قوانین حاکم بر رفتار آدمی و رعایت مبانی و اصول تعلیم و تربیت، عامل موفقیت و سعادت او بوده، از انواع انحرافات و شقاوت ها جلوگیری می نماید. حاصل و نتیجه تعلیم و تربیت، ساخته شدن و ساختن است، با مشاهده فرد خودساخته و با سعادت، می توان به این نتیجه پی برد که وی تحت مجموعه برنامه تربیتی و تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

۳-۱-۲. تعلیم و تربیت کوششی است هدف دار، یعنی اینکه می دانیم چه می خواهیم؟ و به کجا می رویم؟ و مسیر زندگی در چه جهتی است؟ و هر روز باید چه انجام داد؟ و اهداف روزانه و غایی ما چیست؟ و لذا فرآیند تعلیم و تربیت بطور صحیح و اصولی، نیازها را به خواسته ها و استعدادها را به توانایی ها تبدیل می کند. اهداف روزانه و غایی لازم است با ارزش و متعالی بوده و توان متکامل نمودن انسان را دارا باشند، چرا که وصول به آن، منافع فرد و مصالح اجتماع را تضمین می نماید.

* نکته مهم اینکه، تعلیم و تربیت مستلزم طرح و نقشه مناسب بوده که به آن برنامه تربیتی گفته می شود.



۳-۱-۳. تعلیم و تربیت، فرآیندی کاربردی و مبنای زیست انسان بوده و باید از آن در تمام

ابعاد زیست طولی و عرضی استفاده نمود.

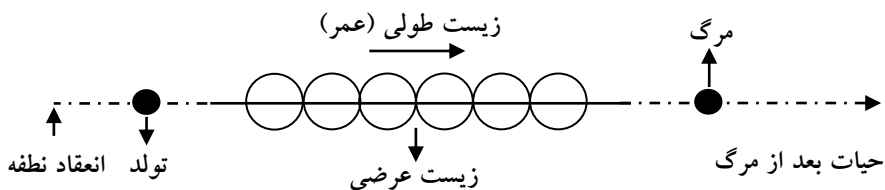
زیست عرضی انسان شامل اعمالی است که در یک روز انجام می‌دهد از قبیل: وضو، نماز،

اشتغال، صبحانه، آشپزی، بچه‌داری، خانه‌داری و ... سپری شدن یک روز و حرکت در عرض.

زیست طولی از تولد، سپری شدن دوره نوزادی، طفولیت، کودکی، نوجوانی، میانسالی، پیری و

مرگ و مراحل پس از آن. طرح و نقشه‌هایی برای راه آینده (نظیر تحصیلات، نوع شغل، انتخاب

همسر و خصوصیات آن، تعداد فرزندان و ...) در زیست طولی مطرح می‌شوند.



فصل دوم: مهارت‌های تعلیم و تربیت

چگونه تربیت کنیم؟

آنچه در فصل دوم می‌خوانیم:

مهارت اول: «سیر تربیت»

مهارت دوم: مهارت «تربیت در ابعاد انسانی»

مهارت سوم: مهارت «تشکیل نگرش و عقیده»

مهارت چهارم: مهارت «تأمین هویت و تشکیل شخصیت»

مهارت پنجم: مهارت «ایجاد هدف»

مهارت ششم: مهارت «ارزشگذاری»

مهارت هفتم: مهارت «محبت نمودن»

مهارت هشتم: مهارت «ایجاد جو حسن و قبح»

مهارت نهم: مهارت «ایجاد شرایط و محیط مطلوب»

مهارت دهم: مهارت «ایجاد شاکله تفکر صحیح»

مهارت یازدهم: «مهارت تربیت دینی»

مهارت دوازدهم: «مهارت های ناظر به اهداف رفتاری»



۱. مهارت اول: مهارت «سیر تربیت»^۱

برای تربیت نیروهای انسانی (فراگیر، فرزند، ...) لازم است فرد یا افراد در راستای تغییر، رشد، سازندگی و تربیت، مسیری را طی نمایند. این سیر معمولاً در ۴ مرحله می‌باشد.

۱-۱. مرحله اول: پذیرش (جذب)

به این اصل بسیار مهم باید توجه نمود که قبل از هر گونه اقدام برای تعلیم و تربیت فراگیر مربی لازم است خود را مطلوب (از نظر درونی) و مقبول (از نظر فکری، عقلی) ساخته و به مرحله پذیرش برسد.

$$\text{مطلوبیت} + \text{مقبولیت} = \text{پذیرش}$$

* در این مرحله لازم است مربی و والدین با خوش‌رویی، برخورد صحیح، ایجاد ارتباط عاطفی، ادراک فراگیر، احترام و تکریم‌نمودن و شخصیت‌دادن به فرد، وی را جذب نموده، با او رابطه دوستانه برقرار نمایند.

لازم بذکر است تنها با انواع تبلیغات مانند اطلاعیه، نمایش فیلم، جوایز، توصیه‌ها و موارد مشابه جهت ثبت‌نام در کلاسها و جلسات، افراد را نمی‌توان جذب نمود.

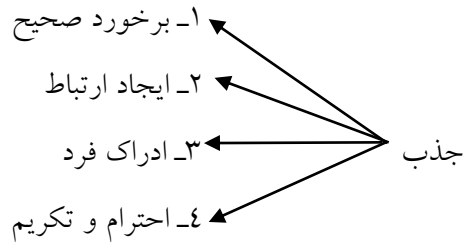
* اهداف مرحله جذب:

- ۱- انس گرفتن فراگیر با مربی و محیط (کلاس)
- ۲- شناخت فراگیر از نظر استعدادها، توانایی‌ها، نیازها، خواسته‌ها، کمبودها و ناهنجاری‌های احتمالی

۱. (أَحْسِبُ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) آیا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ (عنکبوت/۲)



۳- شناخت محیط و برنامه تربیتی فراگیر
نتیجه مرحله جذب ایجاد انگیزه در فراگیر می باشد.



۲-۲. مرحله دوم : حفظ فراگیر

حفظ فراگیر معادل استمرار ارتباط و حضور فراگیر است. در صورتی که وی در اختیار مربی باشد، می توان او را تحت برنامه تربیتی قرار داد.

* عوامل مؤثر در حفظ فراگیر یعنی برای اینکه فراگیر در اختیار مربی باشد.

۱. استفاده از انواع تشویق ها: (پایین ترین مرحله تشویق، جایزه است، مثل استفاده از کارت صدآفرین

در دوره ابتدایی، استفاده از تقدیرنامه و لوح سپاس در دوره راهنمایی و دبیرستان).

۲. استفاده از جذابیت های چهارگانه: جذابیت در مطلب (استفاده از داستان ها و حکایات و ...)،

جذابیت در فضای آموزشی، جذابیت در روش تدریس و نهایتاً جذابیت در ویژگی های مربی از نظر ظاهری، شخصیتی و اخلاقی.

*جذابیت های (مربی - والدین) یاد شده موجب نشاط و سرور در فرد شده و از سوی دیگر ایجادکننده رغبت در فراگیر می شود، که در نتیجه مربی - والدین «مطلوب» و «مقبول» فرد شده و مورد «پذیرش» فراگیر قرار می گیرند و پذیرش باعث به جریان افتادن سیر تربیتی است و عدم پذیرش برابر است با بی تفاوتی، سرپیچی، تمرد، مقابله، ضدیت و یا فرار فراگیر از مربی و والدین می شود.



۳. تداوم ارتباط دوستانه با فراگیر: ارتباط عاطفی، ارتباطی قلبی و توأم با شور و احساسات است و نتیجه برقراری چنین ارتباطی، نزدیک شدن و پیوند محکم با فرد می باشد.

تداوم ارتباط از طریق برخوردهای شاد و با نشاط، تحویل گرفتن و احترام گذاشتن، مشورت نمودن، همراه شدن، صمیمی شدن، زمان‌هایی را با هم بسربردن (در نماز جماعت، مجالس، اردوها، دیدار، سفر و ...)، ایجاد وجه اشتراک‌های اخلاقی، فکری، ایجاد ارتباط معنوی (با توحید و از خداگفتن و ...) حاصل خواهد شد.

۳-۳. مرحله سوم: سازندگی (ساخت)

این مرحله توسط برنامه تربیتی و در پرتو جو عاطفی انجام پذیر خواهد بود.

۴-۴. مرحله چهارم: کارآیی

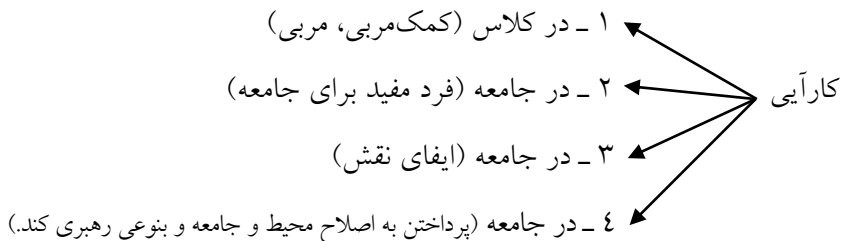
(قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...)^۱

«بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه دو نفر دو نفر یا به تنهایی برای خدا

قیام کنید.»

پس از طی مراحل سه‌گانه فوق، لازم است فراگیر، به نوعی مفید واقع شده، در اجتماع به عنوان فردی فعال در زمینه‌ای ایفای نقش نموده، به اصلاح جامعه پردازد؛ حتی بتواند نقش مدیریتی یا اصلاح و رهبری را ایفا نموده، خود مولد باشد. (لازم است توجه او را به وظایف و مسئولیت‌های الهی جلب نمود).

* لازم به ذکر است یک کلاس و یا جلسه عبارت است از مربی و حداقل یک فراگیر و لذا مربی برای مربی شدن و کلاس‌داری نمودن بهتر است ابتدا از کلاس و جلسات با نفرات کم شروع نماید.



پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و رهبران، در طول تاریخ، برای هدایت انسان‌ها، به دنبال مردم می‌رفته‌اند و نمی‌نشستند تا مردم بیایند هدایت شوند.

۲. مهارت دوم: مهارت « تربیت در ابعاد انسانی »

۲-۱. تربیت جسمی

در این نوع تربیت که از قوانین طبیعت پیروی می‌کند، فراهم آوردن زمینه رشد مغزی و جسمی ضروری است. و لازم است حفظ صحت و تندرستی جسم را مقدمه سلامت روان دانست و از طبیعت غریزی و قوای ذاتی و طبیعی انسان بعنوان وسیله‌ای در جهت تعالی روح استفاده نمود.

*** جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت (وظایف مربی در این راستا):**

الف) تغذیه: رعایت تناسب نیازهای غذایی فرد با سن وی

از نظر تغذیه، تأمین چهار گروه مواد خوراکی لازم است:

گروه اول سازنده‌ها و پروتئین‌ها مانند انواع گوشت.

گروه دوم استحکام‌دهنده‌ها یا املاح مانند کلسیم، آهن و ...

گروه سوم انرژی‌بخش‌ها، هیدرات‌های کربن (نشاسته) مانند سیب‌زمینی، حبوبات، قندها

گروه چهارم نشاط‌آورنده‌ها مانند سبزیجات و میوه‌ها

ب) پوشاک: نوع لباس، متناسب با موقعیت فرد و با توجه به هر فصل انتخاب گردیده، رعایت

آن از نظر جسمی، جنبه پیشگیری در مقابل بیماری را دارد و از آنجا که نوع لباس معرف

شخصیت فرد بوده و اثرات روانی - اجتماعی در وی خواهد داشت، لازم است در انتخاب آن



دقت شده و از لباس هایی که فرهنگ خاصی را القاء می کنند، پرهیز شود.

ج) تفریح: برای ایجاد تنوع و روحیه نشاط بسیار لازم است.

د) بهداشت فردی: عادت به مسواک زدن در سنین پایین و رعایت بهداشت در زمینه های: شانه

بر موی سر، استحمام در فواصل معین، نظافت لباس های زیر، حوله شخصی، تختخواب شخصی،

نور مناسب هنگام بازی، خواب یا مطالعه سر وقت و

ه) ورزش و فعالیت جسمی: برای سلامت بدن بسیار ضروری است و از سنین پایین لازم

است عادت به فعالیت جسمی را ایجاد نمود.

هدف بسیاری از والدین در تربیت فرزندان، در مدار تربیت طبیعی و تأمین خوراک و

پوشاک و... می باشد، حال آنکه این تربیت فقط نوعی از انواع آن و مقدمه ای است برای

تربیت های بعدی نه همه تربیت و غایت آن.

۲-۲. تربیت اجتماعی (تشکیل شخصیت)

اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی داشتن.

تضاد با اجتماع مانع حرکت، رشد، تکامل و تعالی فرد است. جامعه برای فرد، زمینه و مرکز و

مهدی است که می تواند در آن پرورش یابد. از ضروریات این نوع تربیت آموزش و فراگیری،

برقراری و تنظیم روابط اجتماعی (روابط عاطفی، عقلی، رسمی، دوستی و ...)، فراگیری نحوه

معاشرت اجتماعی، وجود الگوهای فردی (عقیده)، الگوهای جمعی (فرهنگ اسلامی)، خوگرفتن

انسان با این الگوها، ادراک و اکتساب آنان، مبنای زیست فردی و جمعی قراردادن این الگوها و

زندگی فردی و جمعی نمودن با آنان می باشد.

لازم به ذکر است الگوهای صحیح و مورد تأیید آیات و احادیث، مطلوب تعلیم و تربیت

اسلامی می باشد.

در تربیت فوق دو موضوع روابط اجتماعی و معاشرت اجتماعی مطرح است، تماس مقدمه



ارتباط و ارتباط مقدمه معاشرت است.

تماس ← ارتباط ← معاشرت

این بعد از تربیت، در دو محور تشکیل شخصیت می‌دهد:

۱. در محور اول: توجه، تکریم، تشویق، نظرخواهی از او، احترام به نظرات و عقاید و افکار و زمینه ابراز وجود را فراهم نمودن و ... در ایجاد شخصیت فردی نقش مهمی ایفا می‌نماید.
 ۲. در محور دوم: پرهیز از تنبیه، تحقیر، قیاس با همسالان (به جز در موارد رقابت) و واکنش‌های منفی به هنگام اشتباه (طعنه‌زدن، خشونت بیجا) و ... در ساخت شخصیت فرد مؤثر است. (در حقیقت موارد گانه فوق مربع خردکردن شخصیت افراد است.)
- * جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت (وظایف مربی در این راستا):**

الف) تعلیم آداب معاشرت و رشد اجتماعی‌دادن: یاری فرد در برقراری و تنظیم ارتباط با عوامل مختلف اجتماعی [اقوام (= صله رحم)، همسایه‌ها، دوستان، مربی، معلم و ...]، رعایت جنبه اعتدال در امورات، رعایت حدود و مقررات اجتماعی.

ب) مسئولیت‌پذیر شدن فراگیر و ایفای نقش در محیط خود: واگذاری امورات و مسئولیت‌هایی به او (هرچند کوچک و جزئی باشند) و خواستن نتیجه از او، به مدیریت و رهبری در حد خود برسد.

ج) توجه فرد نسبت به ملاک‌های انتخاب دوست و یاری نمودن او در انتخاب گروه دوستان و عضویت وی در گروه.

د) دیدگاه مطلوب نسبت به تحصیلات از سنین پیش از دبستان تا اینکه طرز تلقی وی از درس خواندن، فراگیری علم و دانش و کسب سعادت باشد نه امری تحمیلی. یاری و مساعدت و ایجاد تسهیلات در امر تحصیلات وی.

ه) انتخاب شغل با توجه به استعدادها و توانایی‌ها و موقعیت و گرایش دادن به او و ایجاد



زمینه برای علاقمند شدن به آن. (از هنگام ورود به دوره متوسطه دوم) به عنوان مثال مربی به فراگیر آموزش می‌دهد؛ هنگام برخورد با بزرگترها سلام کن. در برقراری ارتباط می‌گوید: با بزرگتر از خود شوخی نکن. برای انتخاب دوست، دوستان خوب انتخاب کن، سپس در محیط فامیلی مشخص می‌کند با چه کسی دوستی کن. در جهت تنظیم روابط می‌گوید: با سن کوچکتر یا بزرگتر از خود چگونه دوستی کن. والدین لازم است معاشرت اجتماعی را با نزدیکان و یا معاشرت با هم خوابگاهی را در یک سربازخانه یا خوابگاه دانشجویی به فرزند آموزش دهند.

۲-۳. تربیت عاطفی

انسان در هر سن و موقعیتی که باشد نیاز به محبت یکی از احتیاجات اساسی او می‌باشد. در تربیت عاطفی مقصود این است که پدر و مادر در قبال رشد عاطفی فرزندشان و توجه به عواطفش مسئول هستند. در این عواطف محورهای متعددی وجود دارد که محور هم‌اش توجه والدین به عواطف فرزندان می‌باشد. یکی از نیازهای بشر، بخصوص در دوران کودکی همان نیاز به مهربانی و عواطف تام و ... است.

* جنبه‌های کاربردی این تربیت (وظایف مربی در این راستا):

الف) تأمین محبت:

از ابتدای تولد و متناسب با هر فرد در تمام دوران و مراحل رشد، به میزان نیازها و موقعیت او، لازم است، محبت تأمین گردد.

ب) ایجاد جو عاطفی و روابط عاطفی. (دوستانه بودن و کم شدن فاصله برای درک او) جو عاطفی فضائی است که فرد در آن قرار دارد و روابط عاطفی، ارتباط فرد با تک‌تک افراد خانواده می‌باشد. فقدان جو عاطفی و محبت، امنیت فرد را به مخاطره انداخته و باعث عدم تعادل در وی خواهد شد در نتیجه او سعی در تأمین نیاز خود در خارج از محیط خانواده خواهد داشت.



۴-۲. تربیت اخلاقی (تأمین هویت)

همانگونه که در قرآن ذکر شده، یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله تزکیه نفوس و پرورش اخلاق حسنه بوده، گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری و نجات را در آن می‌شمرد.^۱

در قرآن کریم تزکیه اخلاق، مقدم بر نماز و یاد خدا ذکر شده، که اگر تزکیه نفس و پاکی دل و صفای روح، در پرتو فضائل اخلاقی نباشد، نه ذکر خدا به جایی می‌رسد و نه نماز روحانیتی به بار می‌آورد.^۲

در مجموع، قرآن، اهتمام فوق‌العاده‌ای به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس بعنوان یک مسأله اساسی و زیربنایی دارد چرا که برنامه‌های دیگر از آن نشأت می‌گیرد و به تعبیر دیگر بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است.^۳

مربی، والدین لازم است زمینه‌ای را فراهم آورده تا با تهذیب نفس در افراد، شاکله اخلاق حسنه ایجاد گردد (این اقدام در حقیقت تأمین هویت است) و با مراجعه به علم اخلاق و جاری‌شدن مفاهیم این علم مهم بر خود، می‌توان برای فراگیر تشکیل اخلاق حسنه داد.

* جنبه‌های کاربردی این نوع تربیت (وظایف مربی در این راستا):

الف) دفع رذائل و گذر از نفسانیات (پیراستن)

ب) کسب فضایل اخلاقی، و رسیدن به ارزش‌های متعالی (آراستن)

ج) ایجاد و تنظیم جو حسن و قبح اخلاقی (با این فضا می‌توان اعمال و صفات و اخلاق فرد را ساخته یا تنظیم نمود).

۱. برخی آیات مربوط به این مطلب عبارتند از: سوره جمعه/۲، آل عمران/۱۶۴، بقره/۱۲۹ و ۱۵۱، شمس/۹ و ۱۰ و لقمان/۱۲

۲. سوره اعلیٰ/۱۴ و ۱۵ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى)

۳. اخلاق در قرآن، ج ۱، آیت‌الله مکارم شیرازی: مطالعه عمیق این کتاب برای کلیه مربیان، والدین و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان کشور برای تربیت‌نمودن، از واجبات است. برای تشکیل، شاکله اخلاق حسنه از این کتاب می‌توان استفاده کرد.



۵-۲. تربیت انسانی (ساخت هویت مطلوب)

این نوع تربیت، پرورش قوه تعقل و فهم و شعور (بصیرت)، فهم واقعیات... و مهم تر نیل به اطمینان و صفای باطن، ایمان درونی و ایجاد روحیه معنوی
 «رسد آدمی به جائی که به جز خدا نبیند.»

این نوع تربیت هدف خلقت و آفرینش انسان است. او با وصول به این نوع تربیت به معنا و مفهوم انسانی دست یافته و با آن عبث و بی فایده نخواهد بود. برای کسب این نوع تربیت لازم است از تربیت جسمی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی گذر نمود.

※ جنبه های کاربردی این نوع تربیت (وظایف مربی در این راستا):

الف) شناخت کلیه جنبه های انسانی اعم از استعدادها و نیازها در هر دوره ای به منظور بالفعل نمودن آنها و درک او در تمام شرایط و ادوار سنی برای شکوفاشدن توانایی های فرد.

ب) تفکر در امور و سپس عمل است.

ج) توجه دائمی و حس حضور خداوند و دخالت او در همه امور

این نوع تربیت مهم ترین و ارزشمندترین بعد از ابعاد تربیت است.

۳. مهارت سوم: مهارت «تشکیل نگرش و عقیده»

۳-۱. «تشکیل نگرش»:

۳-۱-۱. تعریف «نگرش»

تعریف لغوی: نگرستن، بینش، نظر^۱

واژه "attitude" معادل های فارسی متعددی همچون «طرز تلقی»، «وجه نظر»، «بازخورد»، «وضع روانی»، «ایستار»، «گرایش» و «نگرش» دارد، ولی اکنون اصطلاح «نگرش» قبول عام یافته و به صورت های مختلف نیز تعریف شده است.^۲

۱. فرهنگ لغت معین، ص ۹۶۲

۲. سالاری فر و دیگران، محمدرضا، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۱۰. به دلیل اهمیت ویژه به کلیه مربیان، والدین و دیگر دست اندرکاران تعلیم و تربیت مطالب فصل ۵ این کتاب توصیه می گردد.



می توان گفت نگرش عبارت است از: نگاه به موجودات، اشیاء، پدیده ها و... به گونه ای که به آن توجه شده، فرد آن را دریافت و ادراک نماید.

توجه به حضور پدیده ها و موجودیت موجودات و اشیاء و برقراری ارتباط با آنها، دریافت توسط سلول های مغزی و بازتاب تصویر یک شیء در مغز و نهایتاً ایجاد سؤال از علت پدیده ها و سپس ادراک، مراحل طی است که پس از نگاه به یک شیء طی می شود.

۲-۱-۳. تعریف و معنای «تشکیل نگرش»

تشکیل نگرش عبارت است از: نگاه، طرز تلقی، برداشت، دیدگاه، دریافت و ادراک هر فردی نسبت به وجود خود، وقایع و پدیده ها، جهان هستی و آفرینش و نهایتاً خالق و علت همه اینها. بنابراین:

هنگامی که هست و نیست ها نسبت به چیزی یا پدیده ای برای فرد مشخص شده، شکل یافته و این شاکله، پایدار بماند، عینی شود، فرد نسبت به آن چیز و یا پدیده تشکیل نگرش داده است. این تعریف، در ذیل بطور نمودار آمده است:





بعنوان مثال در مورد نماز، در ابتدا فرد به نماز توجه کرده، آن را دریافت می‌نماید ولی هنوز نگرش او نسبت به نماز تشکیل نشده، ممکن است آن را با تأخیر به جای آورد، در مرحله بعد، هست و نیست نسبت به نماز برای او اینگونه مشخص می‌گردد که نماز از سوی خدا می‌باشد و در هیچ حالی از انسان ساقط نمی‌شود و سپس در مرحله بعد شاکله اهمیت نماز برای فرد؛ به مرور زمان؛ پایدار شده، تثبیت و عینی می‌شود.

لذا هنگام اذان بین نماز و مسأله دیگر، نماز را ترجیح می‌دهد. نماز برای او عینیت یافته، به صورت عمل بر اندام جاری می‌گردد. در این حالت فرد نسبت به نماز تشکیل نگرش داده است.

۳-۱-۳. «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت

تشکیل نگرش یعنی:

۱. اینکه فرد بداند وجود دارد (= خوددانی و خودیابی) و برای هدف بودن خویش، جوابی داشته و ادراک نماید که برای چه وجود دارد.
۲. برای آفرینش و جهان هستی هدف مشخصی قائل باشد.
۳. در مورد خالق و مبدأ آفرینش نیز به یک نتیجه قطعی رسیده، حضور و وجود خداوند را بر خود حس نماید.^۱ (= انسان موحد = تشکیل شدن نگرش نسبت به خداوند)
۴. برای سرانجام و عاقبت زیست خود، توجیه مشخصی داشته باشد و بطور قطعی بداند چه مسیری را در زیست طولی طی خواهد نمود، درک کند در طول زیست خود چه دوران‌هایی را طی نموده است؛ و پس از طی مراحل، مرگ به سراغ او خواهد آمد^۲ و بعد از مرگ هم هستی هست.

۱. الف) وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ (حدید/۴) «هر جا باشید او با شماست.» ب) الم يعلم بان الله یری (علق/۱۴) ج)

والله بما تعملون بصیر

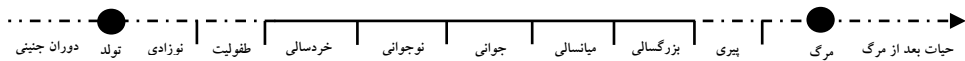
۲. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران/۱۸۵)



در زیارت آل یس مسیر زیست طولی انسان به خوبی ترسیم شده است:

«وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمَرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ»

«و همانا مرگ حق است و ناگر و نکیر(دو فرشته سؤال قبر) حق است و گواهی می‌دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و مرصاد(کمینگاه) حق است و میزان حق است و حشر(در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است و وعده و تهدید درباره آن دو حق است.»



* حاصل اینکه تشکیل نگرش باید بعنوان یک مبنای بسیار مهم مورد توجه والدین، مربیان و همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد:

«تشکیل نگرش منشأ اولیه هدایت و تعلیم و تربیت و همچنین انگیزه اصلی در تشکیل و

اصلاح کلیه رفتارهاست.»

۴-۱-۳. کاربرد «تشکیل نگرش» در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا):

لازم است مربی در ۴ محور نگرش فراگیر را تشکیل دهد:

محور اول: «تشکیل نگرش» نسبت به خود.

محور دوم: «تشکیل نگرش» نسبت به نظام هستی.

محور سوم: «تشکیل نگرش» نسبت به خداوند.

محور چهارم: «تشکیل نگرش» نسبت به مرگ و پس از آن



محور اول: تشکیل نگرش نسبت به خود

مربی در گام اول، برای تشکیل نگرش فراگیر نسبت به خودش، ابتدا باید به تنظیم ارتباط فکری با وی پرداخته و سپس در نظر او مقبول و مطلوب شود و او را تکریم کرده، درک نماید. سپس در دومین اقدام، شرایط تبدیل فکر فراگیر به تفکر با زمینه وجود خود او، که، کی هستیم؟ برای چه هستیم؟ چرا هستیم؟ و ... را فراهم نماید.

و در گام سوم، او را متوجه وجود خود نموده، وی را به خوددانی و خودیابی برساند. یعنی اینگونه برداشت نماید که وجود دارد و هستی او بیهوده نمی باشد.

(چهارم) سپس نهادها و استعدادها و ابعاد وجودیش را به وی نشان دهد یعنی او را متوجه موارد ذیل نماید:

وجود، کارآیی، ارزش و فواید، نیروی فکر و تعقل، حالات نفس، انواع نیازها و طریقه تأمین آنها، استعدادها (نظیر نیروی اراده، اختیار، انتخاب و...)، استعدادهای اجتماعی (مانند برقراری ارتباط و دوستیابی، تسلط، اداره و مدیریت بر محیط مانند خانواده، فرزندداری، همسرداری و برنامه ریزی برای پیشرفت خود و...) و استعدادهای اقتصادی (مانند راه صحیح کسب درآمد سرشار و...) و

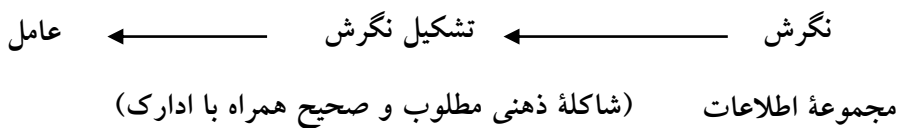
و او را به این نتیجه برساند (پنجم) که خود را بیهوده از دست نداده و به دنبال کسب سعادت باشد. در این راستا نهایت تمامی اقدامات تربیتی مربی (ششم) این است که فرد برای خودسازی و اصلاح رفتارها، مصمم خواهد شد و با این تصمیم، مربی از میزان موفقیت خود آگاه می شود.

خود فراموشی نسبت به خود، نشانه فقدان نگرش است. نگرش زمانی شکل می گیرد که فرد به وجود خود توجه نموده، آن را یافته باشد و نسبت به نحوه بودن، فلسفه بودن، علت بودن و مهم تر از همه چگونه بودن، شاکله ای در خود شکل دهد. یعنی در ذهن و وجود فرد به گونه ای تنظیم و ثبت گردد که من به عنوان یک فرد وجود دارم حال باید چگونه باشم؟ در بخش نگرش



فرد به خود توجه نموده و در بخش تشکیل نگرش برای خود اینگونه مبنا قرار خواهد داد که:
وجود من بدون هدف نبوده و من به این خاطر وجود دارم که ...

فراگیر بر اساس این «مبنا» سعی در رشد و تکامل خود و فهم قوای درونی و تربیت آنها خواهد کرد، در صورتی که این مبنا توسط مربی در درون فرد تثبیت شده و شاکله‌ای در ذهن او ایجاد گردد، آن شاکله منشأ رفتار خواهد بود. مربی موفق قبل از مطرح نمودن عوامل و یا موضوعی (نماز، حجاب، دوست‌یابی، درس خواندن و ...) ابتدا نگرش فرد را نسبت به آن عامل و یا موضوع تشکیل داده، سپس خود عامل را وارد محیط می‌نماید.



گروهی از عوامل تربیتی (والدین، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت) ابتدا عامل (پدیده‌ها، موجودات، اشیاء، انتخاب‌ها و ...) را مطرح می‌نمایند در حالی که ابتدا لازم است تشکیل نگرش گردد و سپس عامل مطرح گردد، در این صورت فرد خود به خود نسبت به انجام وظیفه خود و با انگیزه و میل کافی اقدام خواهد نمود به طور مثال در گروهی از خانواده‌ها برای ترغیب فرد نسبت به نماز از جایزه، تنبیه، تهدید، خشونت، استدلال و باید و نباید... استفاده می‌کنند در حالی که با تشکیل نگرش فرد نسبت به نماز^۱، ابتدا نماز به عنوان اصل در وجود فرد پذیرفته شده، تثبیت می‌گردد و با مطلوب شدن نماز، فرد بدون دخالت و تذکر والدین نماز را بجا می‌آورد.

در مورد تشکیل شدن نگرش می‌توان گفت: نگرش همچون مواد خام (نظیر شن و سیمان و آجر) است و تشکیل نگرش همان مخلوط نمودن شن و سیمان با آب طبق برنامه و اصول است. چنانچه غیر از برنامه و اصول عمل گردد ساختمانی پابرجا نمی‌شود.

۱. نحوه آن در کتاب روش کلاسداری قرآن - تهیه و تألیف نگارنده - ذکر شده است.



در مورد یک عامل مانند درس خواندن؛ نگرش و مواد خام آن رفتن به مدرسه است. از سن ۶ سالگی با فرستادن فراگیر به آمادگی (= آمادگی برای دبستان یعنی آمادگی برای تشکیل نگرش) و طرح جذابیت‌های مدرسه نگرش او به مدرسه تشکیل می‌گردد. به عنوان مثال تهیه کیف مطابق سلیقه او، جلوه دادن به مدرسه، بیان نتایج آن به زبان ساده و تشریح خوبی‌های آن و اهمیت آن و ایجاد جو مطلوب و... . آنگاه خود به این نتیجه می‌رسد که باید به مدرسه رفت و درس خواند و آن را به عنوان جایگاه مطلوب محسوب نمود. در این حالت ساختمانی که با این فرمول ساخته می‌شود غیر قابل تغییر خواهد بود، اما در صورتی که فرد تنها نگرش نسبت به درس خواندن داشته باشد، درس برای وی مطلوب نبوده، انگیزه کافی برای تحصیل ندارد و سریعاً تحت تأثیر عواملی این ساختمان فروریخته، نگرش فرد تغییر یافته و نسبت به تحصیل بی‌علاقه و یا منصرف خواهد شد.

بنابراین علت ترک تحصیل کودکان و نوجوانان و یا عدم موفقیت در تحصیلات، در نگرشی است که والدین و دیگر عوامل تربیتی به آنان می‌دهند (درس برای من اجباری است)، ذهنیت صحیحی نسبت به درس به او داده نشده و در نتیجه درس برای او تحمیل بوده و مطلوب نمی‌باشد و یا دیدگاه گروهی از خانواده‌ها نسبت به دوست و همبازی فرد این است که نیازی به آن ندارد و تمامی امکانات را برای فرد مهیا نموده تا ضرورتی برای خروج وی از منزل نباشد و برخی دیگر از والدین بر خلاف نگرش قبلی، تعدادی از همسالان را برای فرزند انتخاب می‌نمایند تا وی در محیطی سالم، بیرون از محیط خانواده به بازی و فعالیت بپردازد.

مثال دیگر: همان‌گونه که فرد در فصل زمستان با تن‌پوش مناسب و مصرف ویتامین‌ها در مقابل بیماری مصون خواهد ماند، تشکیل نگرش نیز در فرد از وی مواظبت نموده و از آسیب‌های ممکن وی را حفظ می‌نماید.

تشکیل نگرش در مورد یک پدیده باعث می‌شود فرد آن پدیده را برای خود مطلوب دانسته، آن را خود انتخاب نماید. در این صورت انگیزه کافی برای پذیرش آن خواهد داشت لذا باعث



تثبیت آن عامل می‌شود. تثبیت عامل، امنیت و آسایش والدین را به همراه دارد و باعث می‌شود فراگیر به وظایف خود آشنا گشته و خللی بر پیکر خانواده وارد نیاید. نهایتاً از میزان تخلفات کاسته می‌شود، اینها از محاسن تشکیل نگرش در فرد می‌باشد.

محور دوم: تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی

در محور دوم یعنی تشکیل نگرش نسبت به نظام هستی لازم است مربی از عجایب و اسرار و شگفتی‌ها و نظم خلقت برای فراگیر صحبت کند: **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰)** الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ

فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)^۱

به یقین در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. * (همان) کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و در حالی که بر پهلو خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب دوزخ نگاهدار.

تا متوجه نظام هستی شده و آن را دریافت و ادراک نماید و جایگاه خود را در این نظام بیابد.

[گذشته (= تاریخ)، حال و آینده]

محور سوم: تشکیل نگرش نسبت به خداوند

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ ... «خدا یا خود را به من بشناسان ...»^۲

در محور سوم یعنی تشکیل نگرش نسبت به خداوند فرد باید در ابتدا متوجه وجود خداوند گردد (خدادانی) و او را در جهان درون و برون بیابد (خدا یابی) و ادراک کند (عقلی و قلبی) که او

۱. آل عمران آیات ۱۹۰، ۱۹۱

۲. مفاتیح نوین/ص ۶۱۸



خالق وی و نظام هستی است، ازلی و ابدی بوده و وجودی یکتا و بی مانند است (قل هو الله احد). نسبت به همه چیز عالم آگاه (و ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا)^۱ و بر انجام هر کاری قادر است (إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (خداشناسی) و پس از طی صحیح این مراحل در او حالتی به وجود می آید؛ که باید او را پرستش و ستایش نمود (خداپرستی = موحد) و آنگاه احساس دوستی و عشق فراوانی نسبت به او در فرد ایجاد خواهد شد (ایمان) (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا...)^۲ و در همه امور او را در نظر گرفته (تقوا) و همیشه خود را محضر او می داند و او را بر خود ناظر و آگاه می یابد و در همه امور او را دخالت می دهد. (یقین)

خدادانی خدایابی خداشناسی خداپرستی ایمان حقیقی تقوا یقین ←

محور چهارم: تشکیل نگرش نسبت به مرگ و پس از آن

یکی از اقدامات مبنایی و بسیار مهم و سرنوشت ساز که عامل تعیین کننده ای در سعادت و شقاوت انسان دارد، تشکیل دیدگاه فرد نسبت به مرگ و پس از آن است:

الف) اهمیت موضوع معاد

۱. حدود ۱۲۰۰ آیه (یک سوم از مجموع آیات قرآن) در قرآن در رابطه با موضوع معاد آمده است.
۲. بعضی از سوره های اواخر قرآن بطور کامل و بعضی بطور عمده در این باره ذکر شده است.
۳. بعد از توحید، مهمترین مسأله از دیدگاه قرآن بحث معاد و اعتقاد به آن و حیات پس از مرگ، اجرای عدالت و مجازات و پاداش می باشد و در حدود ۳۰ جای قرآن این دو موضوع (مبدأ و معاد) با هم آمده است.

ب) نتایج و فواید تشکیل نگرش و اعتقاد به مرگ و جهان پس از آن

۱. احساس ارزش در زندگی (اعتقاد به معاد = ارزش)

۴. انعام/۵۹

۵. نساء/۱۳۶



۲. معنی بخشیدن (بقای انسان) به زیست طولی (عمر) و هدفمندشدن زندگی و مفهوم‌دار شدن آن و عدم پوچی و فناشدن.
۳. ایمان به خداوند بدون ایمان به معاد تکمیل نمی‌شود.
۴. عامل تعیین‌کننده در تربیت و تهذیب و تزکیه نفس و انگیزه قوی برای خودسازی
۵. عامل اجرای عدالت و قوانین الهی
۶. علت عمل به وظایف و حقوق و تکالیف الهی.
۷. ایجاد انگیزه برای تلاش و مجاهده و ایثار و شهادت است.
۸. عامل کنترل و بازدارنده در برابر مفساد، فحشاء و منکرات و جرم و جنایات می‌باشد.
۹. عامل صبر و مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی است.
۱۰. ایجاد آرامش روحی و روانی و فکری در فرد و عدم فرار از مرگ و پذیرش آن.

خلاصه بحث

تشکیل نگرش در ابعاد سه‌گانه مسائل خوددانی، خودیابی و خودشناسی، محورهای خداشناسی و خودسازی را به حاصل و نتیجه ثمربخش و مطلوب می‌رساند. به عبارت دیگر آنچه که این مسائل را به عینیت و تحقق وامی‌دارد همان تشکیل نگرش است. اگر تربیت‌کننده، والدین یا مربی، فرد را به تشکیل نگرش نیل داد، راه زیادی را از تربیت طی نموده و در غیر این صورت به موفقیت دست نمی‌یابد.

هنگامی والدین و یا مربی در انجام وظیفه خود که همان امر سرنوشت ساز تعلیم و تربیت می‌باشد، موفق می‌گردد که اساس فعل تربیتی خود را بر مبنای تعلیم و تربیت (بویژه مبنای تشکیل نگرش) استوار سازد و در غیر این صورت از رفتارها و تلاش‌های خود که به قصد تعلیم و تربیت انجام می‌دهد حاصل چندانی به دست نیاورده، به موفقیت نمی‌رسد و تلاش او از ارزش لازم برخوردار نخواهد بود.



۲-۳. «تشکیل عقیده»

۱-۲-۳. تعریف «عقیده»

تعریف لغوی:

العقیده ما عَقَدَ عَلَيْهِ الْقَلْبُ وَالضَّمِيرُ^۱ آنچه که قلب و ضمیر به آن وابسته است.

تعریف اصطلاحی

اصول و قواعدی است که در زندگی روزانه (زیست عرضی) از آن استفاده می شود. به طور معمول نوع رفتارهای هر فرد (نوع راه رفتن، نوع صحبت کردن، نوع آرایش مو و...) بر مبنای اصول و قواعدی است که بر اساس آن زیست روزانه خود را تنظیم می نماید و می توان گفت عقیده همان بایدها و نبایدهای رفتاری است.

۲-۲-۳. تعریف و معنای «تشکیل عقیده»

هرگاه استنتاجها و دست آوردهای حاصل از تشکیل نگرش، تبدیل به مجموعه ای از اصول، قوانین و خط مشی گردند، آنگاه عقیده شکل یابی شده است و لذا تشکیل عقیده یعنی «تشکیل شدن» مجموعه بایدها و نبایدها و یا تهیه و تدوین دستورالعمل و نقشه زندگی است.

*** مثال) موضوع نماز**

(وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۱)

«آنها هنگامی که (اذان می گویند و مردم را) به نماز فرا می خوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند این به خاطر آن است که آنها جمعی نابخردند.»

در مرحله نگرش، فرد نسبت به آن دیدگاه و طرز تلقی خاصی دارد. و در مرحله تشکیل نگرش، آن را عروج و عاملی برای تکامل روح و روان می داند، (الصلوة معراج المؤمن) به آن علاقه قلبی پیدا کرده، به

۱. المنجد / ص ۵۱۹ - مَا تَدِينُ بِهِ الْإِنْسَانُ وَاعْتَقَدَهُ - ریشه عقیده، عقد بوده و جمع آن عقاید است.



عنوان یک اصل پذیرفته، به آن اهمیت داده و در درونش برای نماز جایگاه رفیعی در نظر می‌گیرد.
و در مرحله عقیده، می‌داند که باید آن را بجا آورد و نماز خواند.

و در مرحله تشکیل عقیده، چگونگی انجام نماز برای وی مشخص است (که باید آن را چگونه بجا آورد و چه هنگامی و با چه حالت و نحوه‌ای؟ اول وقت و با جماعت و با حالت طمأنینه)، لذا هنگام فرارسیدن وقت آن (شنیدن اذان) بی‌قرار شده، فعالیت‌های دیگر را متوقف نموده، با شوق به سوی آن می‌شتابد. (حی‌علی‌الصلوة)، در هر فرازی از آن اندیشه نموده و مفهوم آن را با تمام وجود حس می‌کند. چنین نمازی باعث معراج مؤمن بوده، او را از فحشاء و منکر باز می‌دارد.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

* در عقیده‌مندی به نماز یکی از بزرگان می‌فرماید:

نماز به منزله کعبه، تکبیره الاحرام، پشت سر انداختن هر چیز غیرخدا و داخل شدن در حرم الهی است،

و قیام به منزله صحبت دو دوست،

و رکوع، خم شدن عبد در مقابل آفاست،

و سجده نهایت خضوع و خاک شدن و عدم شدن در مقابل اوست،

و وقتی که عبد در آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی باز می‌گردد، اولین چیزی را که سوغات

می‌آورد، سلام از ناحیه اوست.

۳-۲-۳. تحلیل «تشکیل عقیده» در تعلیم و تربیت

الف) حاصل و نتایج تشکیل نگرش در عقیده تبلور می‌یابد؛ در نتیجه نوع و شیوه و نحوه هرگونه

عمل (از قبیل انواع رفتارها، گفتارها، اندیشه، افکار و...) و میزان آنها به تشکیل عقیده مربوط می‌شود.^۱

۱. ارتباط بین نگرش (جهان‌بینی) و عقیده (ایدئولوژی) در صفحه ۵۵۰ از جلد ۹ پیام امام اثر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی تبیین شده است.



ب) در هر انتخاب، تصمیم، سنجش، ارزیابی و قضاوت نسبت به افراد و امور، این مجموعه شکل یافته (عقیده) نقش تعیین کننده دارد، لذا می توان گفت به زندگی خط مشی داده و زیست عرضی انسان بر آن استوار است.

ج) اگر عقیده تشکیل گردد برای فرد مشخص می گردد که در هر موقعیت و در هر زمان و مکان و نسبت به هر چیز یا پدیده ای چه موضعی را اتخاذ نماید؟ و چگونه رفتار کند؟ در نتیجه در برخورد با هر موضعی می تواند سریعاً تصمیم گیری نماید. (که چگونه، به چه شکل و تا چه حد و میزان رفتار کند.)

د) گاهی دیده می شود که عقیده توسط عوامل بی صلاحیت تشکیل می گردد مانند آموزش و القاء افکار و رفتارهای نامناسب در بعضی مراکز علمی و آموزشی، زیستن مانند غربی ها و القاء این گونه زیست به دیگران، راه رفتن، صحبت کردن، نوع پوشش، نوع آرایش موی سر و ... که در جامعه از طریق فیلم ها و سریالهای نامطلوب و نامناسب داخلی و خارجی الگوگیری نموده و توسط افراد نابخرد در جامعه گسترش داده می شود.

۴-۲-۳. کاربرد «تشکیل عقیده» در تعلیم و تربیت فراگیر

۱. تشکیل نگرش؛ زیست طولی (تمام عمر) فراگیر را اداره می کند و تشکیل عقیده ملاک زیست عرضی (شبانروز) اوست.

۲. تشکیل عقیده در فراگیر مساوی است با تشکیل شاکله تعلیم و تربیت در او.

(تشکیل شدن عقیده یعنی ثبات و استواری و عدم نفوذپذیری از سنخ غیر خود.)

۳. مهمترین نوع تشکیل دادن عقیده، عقیده مندی فراگیر به دین است، به گونه ای که فراگیر آن را به عنوان یک مجموعه عقاید، بطور مطلوب پذیرفته و اساس زندگی روزمره خود قرار دهد.

۴. نهایت تشکیل عقیده در حد متعالی این است که فراگیر، قرآن و ولایت ائمه علیهم السلام را به عنوان ملاک عمل قرار داده و اهداف و گفتار و سخن آنان را دستورالعمل و نقشه زندگی خود قرار دهد.

فردی که دین را ملاک عمل قرار داده، دیندار و متدین نامیده می شود.



* می توان گفت: علم کلام، در بخش نظری «عقیده اسلامی» قرار داشته و حوزه فقه، در بخش عملی آن است، «کلام»، حراست، سلامت و اصلاح عقل و فکر را بر عهده داشته، و اخلاق، سلامت قلب و دل و درون را. و فقه بر مبنای آن دو (کلام و اخلاق) حراست، سلامت و اصلاح عمل و رفتار را تضمین می کند. لذا دشمنان بدین سبب است که کلام و فقه شیعه را در طول تاریخ نشانه رفته و می روند.

در راستای تشکیل عقیده، علم فقه باید ها و نبایدها را در سه زمینه حقوق، تکالیف و وظایف نسبت به خود، جامعه و خداوند، تبیین می نماید:

(الف) تعیین حقوق نسبت به خداوند، خود و اجتماع.

(ب) تعیین دقیق واجبات، محرمات، مکروهات و مستحبات (تعیین حدود)

(ج) تعیین وظایف و تکالیف نسبت به خداوند، خود و اجتماع.

(د) تعیین باید ها و نبایدها در فروع دین (نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات، امر بمعروف

و نهی از منکر ...)

۵-۲-۳. مبانی تشکیل عقیده

عقیده بر اساس مبانی زیر تشکیل می گردد:

(الف) تشکیل عقیده بر اساس آنچه که می خواهند. (عوامل تشکیل دهنده عقیده اینگونه

افراد والدین، دوست، ماهواره، فرهنگ غربی و... می باشد).

(ب) تشکیل عقیده توسط خود فرد (بدون معیار، نامشخص و بر اساس نظرات شخصی و التقاطی).

(ج) تشکیل عقیده آنطور که، باید باشد، یعنی بر اساس طرح و برنامه مشخص، الگو، سیره

پیامبر ﷺ اظهار بیگانه، قرآن، دین، شرع، آگاهانه و بر اساس ملاک و معیار. (= نوع مطلوب تشکیل

عقیده)

(د) عقیده التقاطی: در طول تاریخ تجربه نشان داده است خطرناکترین نوع تشکیل عقیده،

عقیده التقاطی است.

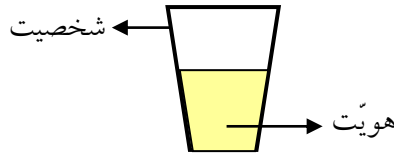


۴. مهارت چهارم: . تأمین «هویت» و «تشکیل شخصیت»

«تربیت» کوششی است در راستای تشکیل شخصیت و تأمین هویت برای هر انسانی.

* کاربرد این موضوع، تعیین شاکله و شخصیتی مطلوب و باارزش، و تحقق یافتن هویتی مطلوب و باارزش برای افراد است.

می توان گفت؛ هویت فرد را (که همچون محتوای درونی یک ظرف است) نگرش، عقیده و درونیات وی (ایمان و اخلاق حسنه) تشکیل می دهند و شخصیت وی را که به مثابه ظاهر یک ظرف، است ظاهر فرد اعم از اعمال، افعال و گفتار او تشکیل می دهند.



از دیدگاه قرآن، ارزش های درونی مانند ایمان، تقوا، اخلاص و ... بعنوان هویت مطلوب محسوب می گردند.

* باید دانست موفقیت در امورات روزمره زندگی از قبیل تحصیل و دیگر مسائل فردی و اجتماعی تحت تأثیر شدید هویت و شخصیت فرد می باشد و او را در تمامی امور زندگی یاری می نمایند.

بسیاری از انسان ها دارای تصویری از خود هستند (خودپنداره)^۱ که غالباً این تصور به عنوان تمامیت وجود خود در نزد شخص محسوب می گردد و گاهی این مانعی است برای توجه انسان به بخش عظیمی از شخصیت و هویت خود. لذا لازم است از صاحب نظران در مورد نوع هویت و شخصیت خود نظرخواهی نمود.

۱. خودپنداره دو نوع می باشد، خودپنداره مثبت: تصورات از خود که منطبق با واقعیات و حقایق هستند و باید تبدیل به معرفت نفس شوند. خودپنداره منفی: تصورات از خود که منطبق با واقعیات و حقایق نیستند.



۱-۴. آیا شخصیت (ظاهر) تابع هویت (باطن) است و یا هویت تابع شخصیت؟ و یا هر دو بر هم

تأثیر یکسان؟ و یا یکی بیشتر از دیگری تأثیر دارد؟

برای تشکیل آنها، ابتدا باید از شخصیت شروع شود یا از هویت؟ یا هر دو به موازات هم؟
 عده‌ای معتقدند شخصیت دو سوم وجود انسان و هویت یک سوم وجود آن را تشکیل می‌دهد.
 عده‌ای معتقدند آنچه مهم است شخصیت است، و این عامل است که در تعاملات خانوادگی
 و جامعه مشارکت دارد و هویت هر چه باشد مهم نیست.

مهم این است که فرد از نظر شخصیتی دچار مشکل نشود تا دیگران از آسیب او مصون باشند
 و از نظر ظاهر فرد مرتب و هنجار بنظر برسد، حال در درون، هر چه بر او بگذرد چندان اهمیتی
 ندارد، ...

عده‌ای به عکس آن نظر می‌دهند و معتقدند اگر فرد از هویت (باطن) خوب برخوردار باشد به
 محیط خود آسیبی وارد نخواهد کرد، حال ظاهر او هم مطلوب بنظر نرسد، ...

۲-۴. تربیت اسلامی چه می‌گوید؟

از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی، انسانی کامل است که هم از هویت مطلوب و هم از
 شخصیت هنجار برخوردار باشد. هم باطن (هویت)، ظاهر (شخصیت) را می‌سازد و هم ظاهر بر
 باطن اثر می‌گذارد. هر دو متمم و مکمل هم بوده و غیرقابل تفکیک می‌باشند. یکی بدون دیگری
 معنا نداشته و به هم وابسته‌اند. و برای سازندگی و تربیت باید به هر دو توجه لازم بشود، چنانچه
 از یکی غافل ماند آن دیگری هم با اختلال مواجه خواهد شد.

* مربی در ابتدا لازم است به ساخت هویت (درون و باطن و ساخت فکر و اندیشه و نهایتاً
 عقیده و هم دل و قلب و احساسات و نهایتاً ایمان) پرداخته و به موازات آن به ساخت شخصیت
 (شکل‌دهی رفتارها) بپردازد.

هویت، تأثیر مستقیم و عمیق و گاهی سریع بر شخصیت گذاشته و شخصیت هم در حفظ



هویت مطلوب و یا تغییر آن تأثیر می‌گذارد هر چند گاهی ممکن است به تدریج و با تأخیر انجام گیرد. در مجموع هر دو تابع هم هستند.

دستورات قرآن و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام مربوط به هر دو بخش است گاهی معطوف به هویت و گاهی به شخصیت.^۱

(... اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ) (مائده/۲۷) «... خدا تنها از پرهیزکاران میپذیرد»
(وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ...) (اسراء/۳۷) «و بر زمین، با تکبر راه مرو ...»

۳-۴. آسیب‌شناسی هویت و شخصیت

افرادی بر اثر برهم خوردن تعادل درونی (با غفلت از درون) دچار اختلالات رفتاری و فکری می‌شوند و همین عوامل باعث انتخاب‌های غیر صحیح و غیر منطقی می‌گردند و رفتارهای آنان به تدریج تغییر یافته، ابتدا کج‌فکر، کج‌خلق، کج‌سازگار و ناسازگار شده، سپس به خطاکاری و بزهکاری گرایش یافته و ممکن است نهایتاً به مشکل عصبی و روانی دچار شوند.^۲

نتیجه و محصول این سیر، انواع ناهنجاری‌ها، اختلافات و مشاجرات، اعتیادها، طلاق، مفاسد،

۱. پیامبر اکرم ﷺ: اِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ اِلَى صُوْرِكُمْ وَاَعْمَالِكُمْ اِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ اِلَى نِيَاتِكُمْ وَقُلُوْبِكُمْ - امام کاظم علیه السلام: لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ - پیامبر اکرم ﷺ: الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وِلِسَانِهِ - امام صادق علیه السلام: كُوْنُوْا لَنَا زِيْنًا وَاَلَا تَكُوْنُوْا عَلَيْنَا شِيْنًا - وَقُوْلُوْا قَوْلًا سَدِيْدًا (احزاب/۷۰) «و سخن حق بگویند.» - وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره/۸۳) «و به مردم نیک سخن بگویند.» - وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنْ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيْرِ (لقمان/۱۹) «(و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.»
۲. سیر ناهنجاری‌های رفتاری عبارت است از:

- الف) کج‌فکری: یعنی اینکه فرد ابتدا از تفکر صحیح و در حقیقت از مسیر تعادل فکری خویش خارج شده است.
- ب) کج خلقی: در مرحله فرد بعد نیت پاک و حالات و ارزش‌های اخلاقی را از دست می‌دهد.
- ج) کج‌سازگاری: سپس با جمع (مانند خانواده و کلاس و گروه و مشابه) و تصمیمات جمعی مخالفت می‌کند و معترض است.
- د) ناسازگاری: در این حالت به ضدیت می‌رسد. با خانواده، اجتماع و کلاس متضاد است و سازش نکرده، راه خود را در پیش می‌گیرد (مانند فرارها از خانه و مدرسه)
- ه) خطاکاری: در این مرحله دست به خرابکاری زده و با خانواده و اجتماع مقابله کرده و حتی به آنان آسیب می‌رساند.
- و) بزهکاری: در این حالت فرد مرتکب اعمال خلاف شده و مجرم شناخته می‌شود و بر خلاف قوانین اجتماعی عمل کرده توسط قانون مجازات می‌شود.

ز) مشکل عصبی و روانی: افراد در مراحل فوق ممکن است دچار مشکلات عصبی و روحی و روانی شوند.



فحشاء و در شرایطی خاص، قتل و حتی کشتار جمعی خواهد شد. آنچه در این سیر، در خانواده‌ها پیش می‌آید: کج خلقی و بد اخلاقی در زندگی خانوادگی، انواع اختلافات، درگیری‌ها و نهایتاً در حالت حاد آن طلاق است. و یا از نگاه نامطلوبِ همسر، به جنس مخالف شروع شده و سپس به گفتگوهای تحریک‌آور و نهایتاً انواع روابط نامشروع می‌رسد، و یا از ارتباط، با اشخاص ناسالم، شروع شده و به شرکت در مجالس نامناسب گرایش یافته، سپس کشیدن سیگار و نهایتاً در حالت حاد آن معتاد به یکی از انواع مواد مخدر می‌شود، از برخورد و تماس جوانان با جنس مخالف شروع شده سپس به مرحله‌آشنایی و مراوده رسیده و سپس به عشق‌های خیابانی و گاهاً ازدواج اجباری و سپس زندگی تحمیلی و بعضاً هم طلاق، از معاملات مبهم شروع شده و نهایتاً گرایش یافتن به نزول و ربا و... از عدم توجه به ارباب رجوع شروع شده و... نهایتاً به رانت، توصیه، رشوه و... گرایش می‌یابد.

۱-۳-۴. پیشگیری

* اصل و اصطلاح معروف «پیشگیری، مهم‌تر از درمان است.»، در این مبحث بدین شکل می‌باشد که ابتدا والدین، قبل از تولد، به دادن هویت و شخصیت مطلوب به فرزند (با آماده‌سازی خود، توافق والدین برای زمان بچه‌دار شدن، تشکیل روحیه فرزنددار شدن، نگاه مناسب به موضوع فرزنددار شدن و ...) توجه نموده پس از تولد شروع به پیاده‌نمودن برنامه «ارائه هویت و شخصیت به فرزند» نمایند (با انتخاب نام مناسب، ولیمه و ...)

و هر چه بر سن کودک افزوده می‌شود، هم بر توجه به این مهم افزوده خواهد شد و هم به افراد دخیل در آن (مانند وابستگان کودک) و سپس در دوران ابتدایی معلم و مربیان، صدا و سیما و دیگر عوامل تربیتی و اثرگذار نیز، به آنها افزوده خواهند شد.

اگر به میزان توجه به عریض و طویل نمودن انواع سرمایه‌گذاری‌ها برای ساختمان و



تشکیلات سازمانهایی از قبیل دادگستری و نیروی انتظامی، مراکز سیاسی، پاسگاهها و نیروهای ویژه و گشت‌های ارشاد و... به همان اندازه به مراکز و بخش‌هایی که عقیده و نگرش می‌سازند (از قبیل: آموزش و پرورش، حوزه‌های علمیه، مساجد و ...) توجه بشود، از هزینه‌هایی که برای اصطکاک‌ها و ... صرف می‌شود، کاسته شده، مراجعات به آن سازمان‌های بازدارنده کمتر خواهد شد و نهایتاً در هزینه‌ها، بودجه و سوخت نیروی انسانی، صرفه‌جویی خواهد شد.

از نظر آسیب‌شناسی هویت و شخصیت برای حفظ هویت و شخصیت فرد و اجتماع از انواع آسیب‌ها، با توجه به مسائل و ویژگیهای عصر حاضر (ماهواره‌ها، اینترنت و اعتیاد، بمباران فرهنگی، استحاله دینی و ...) بهترین راه پیشگیری «توحید درمانی» است.

۲-۳-۴. درمان

تجربه نشان داده است بسیاری از اختلالات رفتاری و ناهنجاریهای فردی و اجتماعی با تغییر و ختنی‌سازی دیدگاه و عقاید منفی و دادن نگرش مطلوب به آنچه که محور موضوع است، مانع ادامه درگیریها، طلاق، اعتیاد و یا تداوم آنها شده است.

* از نظر تعلیم و تربیت اسلامی (و همانگونه که تجربه هم ثابت کرده است) سریعترین، کوتاه‌ترین، مطمئن‌ترین، بهترین و مؤثرترین راه درمان انواع ناهنجاریها و حتی پیشگیری از مواردی مانند: اختلالات رفتاری، انواع اختلافات، مشاجرات اجتماعی، منازعات خانوادگی، ابتلا به انواع مفسد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، مسائل حاد فردی و پدیده‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد و طلاق و ... همانگونه که قبلاً هم مطرح گردید، «توحید درمانی» (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً)^۱ است.

* مهم‌ترین و بزرگترین و واجب‌ترین رسالت خانواده‌ها، عوامل مختلف تربیتی، رهبران و مدیران و برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی این است که «رنگ خدایی» به همه جا و همیشه و با انواع وسایل و روش‌ها بدهند.



۵. مهارت پنجم: مهارت « ایجاد هدف »

۱-۵. اهمیت، ضرورت و فواید ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر

در مدار تعلیم و تربیت جامعه، یکی از مهمترین وظایف رهبران، مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران یک کشور ایجاد هدف است. بدون وجود هدف، فرد در زندگی خود سرگردان گشته و از شور و نشاط لازم برخوردار نخواهد بود و در مقابل، ایجاد هدف به فرد حرکت داده، باعث می‌شود ارزش‌ها برای وی مفهوم خود را پیدا نمایند.

مسیر و جهت زندگی طولی را هدف تعیین می‌نماید. همچنین ایجاد هدف در فرد باعث سامان‌دادن به زیست عرضی، و احساس آرامش و ارزش می‌شود و در فرد روحیه تلاش و نشاط را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود فرد از زندگی خود احساس لذت کند. (با وجود مشکلات، سختی‌ها و نارسایی‌ها)

در حقیقت عدم وجود هدف در فرد نشانه‌ای است بر اینکه وی از دیدگاه و عقیده‌ی مطلوبی برخوردار نبوده و فاقد ارزش‌های والا در زندگی است و صرفاً به دنبال گذراندن عمر و امرار معاش و از این قبیل می‌باشد و در نتیجه موضوعاتی از قبیل خودیابی، خودشناسی، خداشناسی و خودسازی برای او مفهومی نداشته و از ارزش و اهمیت لازم برخوردار نمی‌باشند، چرا که اصولاً این مفاهیم برای او مطرح نمی‌باشند، لذا در زندگی سرگردان شده و به احساس پوچی رسیده، به حالت یکنواختی و سردی خاصی دچار می‌گردد.

۲-۵. کاربرد ایجاد هدف در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)

۱. توجه جدی به ایجاد هدف به عنوان یک اصل مهم تربیتی از سوی مربی.
۲. تبیین اهمیت، نقش و تأثیر وجود هدف و عواقب وخیم ناشی از فقدان آن در زندگی برای فراگیر توسط مربی و شناساندن جایگاه و کاربرد هدف به او به گونه‌ای که این موضوع را کاملاً ادراک نماید.



۳. تشخیص و ارائه اهداف متناسب با افراد از بین اهداف و دیدگاه‌ها به گونه‌ای که اهداف، روشن و واضح، گویا، قابل وصول، ارزشمند و متعالی باشد.

۴. بیان اهداف ویژه‌ی فرد با شاخص نمودن آیات و احادیث برگزیده^۱ به عنوان محورهای زندگی برای وی (نحوه‌ی تعیین اهداف)

۵. ارتباط همیشگی با هدف با یادآوری و تبیین دائمی آن.

۶. ملاک قراردادن اهداف در زیست عرضی.^۲

۱. بر اساس مهارت‌های تدریس برای اداره کلاسهای تربیتی که در فصل ۳ ذکر شده است.

۲. و یا تبدیل اهداف کلی و مرحله‌ای به اهداف رفتاری.

مثال: با حرکت فکر فراگیر و ایجاد زمینه‌ی مناسب، آیه‌ی (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) برای وی شاخص شده و فرد به عنوان محور زندگی آن را ادراک و پذیرش می‌نماید.

* اهداف کلی اتخاذ شده از این آیه:

۱. آفرینش انسان هدفدار است. (من هدفمند هستم) (تشکیل دیدگاه)

۲. هدف خلقت عبادت است.

* هدف مرحله‌ای:

۱. رشد دادن و بالفعل نمودن استعدادها برای نیل به هدف خلقت.

۲. قبل از هر عملی خدا را در نظر می‌گیرم اگر او راضی است انجام می‌دهم. (تشکیل عقیده)

* اهداف رفتاری:

۱. انتخاب حرفه‌ی مناسب به منظور درآمد حلال جهت امرار معاش. (طبق عقیده)

۲. انجام تحصیلات (رشته‌ی دانشگاهی متناسب با علاقه و استعداد فرد)

۳. انجام فعالیت‌های اجتماعی و تلاش فرد در جهت بهبود اوضاع محیط و اجتماع.

۴. مطالعه پیرامون موضوعات مشخص با هدف رشد فکری و ... (مانند مطالعه‌ی نحوه‌ی تربیت فرزند توسط مادران).

۵. کسب مهارت‌های فردی در جهت استفاده بهینه از فرصت‌ها (مانند کسب مهارت‌های خیاطی، کامپیوتر، آشپزی، گلدوزی، مربی‌گری یا معلمی ... در دختران و کسب مهارت‌هایی نظیر نجاری، لوله‌کشی، مکانیکی، کامپیوتر و ... در پسران).

۶. تفکر در مفاهیم فراهای نماز هنگام نماز خواندن.

۷. گرفتن روزه‌ی واقعی و مواظبت از نگاه، زبان، گوش و ...



۶. مهارت ششم: مهارت «ارزشگذاری»

۱-۶. تعریف

ارزشگذاری یعنی انتخاب چیزی (راهی، فردی، عاملی) بر اساس ملاکها و معیارها، یا انتخاب یک چیز بین دو یا چند چیز دیگر. مثال: کدام راه در زندگی انتخاب شود؟ کدام مشی سیاسی و یا جناح انتخاب شود؟ کدام نوع حجاب؟ و یا بین چند چیز درست و صحیح، کدام انتخاب شود؟ کدام خواستگار؟ کدام همسر؟ کدام شغل؟

۲-۶. ارزش‌شناسی

از آنجا که ارزش‌ها در زندگی افراد از جایگاه مهم و حساسی برخوردار است و شخصیت و هویت مطلوب را، ارزش‌های والا می‌سازند، برای هر فرد در زیست طولی و عرضی اصل ارزش‌شناسی و ارزشگذاری به طور دائم مطرح بوده، نقش مهمی را ایفا می‌نماید و آنچه که به ارزشگذاری منتهی می‌گردد، ارزش‌شناسی است.

به عنوان مثال انتخاب تماشای تلویزیون و موکول نمودن نماز به بعد از آن، که در این صورت فرد در ارزشگذاری و انتخاب عمل، برای نماز ارزش پایین‌تری را قائل است، لذا تا فرد ارزش‌ها را نشناسد یا به مرحله ارزشگذاری نمی‌رسد و یا فاقد ارزش‌های والا خواهد شد.

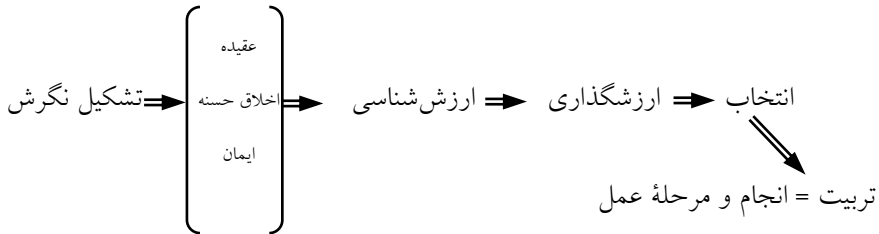
منشأ ارزشگذاری و ارزش‌شناسی تشکیل نگرش بوده، هر دو از تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه بدست می‌آیند و این چهار محور، فرد را در شناخت ارزش‌ها، ارزشگذاری، انتخاب و عمل کمک می‌نمایند.

* ملاک و زیربنای کلی ارزش‌شناسی و ارزش‌ها، تشکیل نگرش می‌باشد.

زمانی ارزشگذاری به صورت مشخص و بر مبنا و اصول واقع گشته و با ارزش می‌شود و همچنین هنگامی مفهوم پیدا می‌کند که دیدگاه فرد تشکیل شده، عقیده شکل پیدا کرده، در فرد شاکله ایمان بوجود آمده، در مدار کسب اخلاق حسنه نیز واقع شده باشد. بنابراین وظیفه مربی آن است که



بدون هیچگونه دخالتی در انتخاب های فرد (مثلاً توصیه نمودن به انجام نماز در اول وقت و پس از آن پرداختن به تماشای تلویزیون و ...) به ایجاد این شاکله های مناسب یادشده در فرد اقدام نماید تا فرد بر اساس این شاکله ها، ارزشگذاری نموده، بهترین رفتار را انتخاب نماید. مثلاً در بین دوستان خود ارزش قائل شده، ارزشگذاری کرده، دست به انتخاب بزند و با دوستانی که اهل رفتارهای ناپسند مانند کشیدن سیگار و ... هستند بر اساس ملاک های صحیح خود قطع ارتباط نماید.



۳-۶. کاربرد ارزشگذاری در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)

۱. ضروری است مربی در تعلیم و تربیت فراگیر، وی را ابتدا به ارزش شناسی رسانده و سپس به مرحله ارزشگذاری برساند، چرا که تبلور و نمود تشکیل عقیده، ایمان و اخلاق حسنه و مهمتر اینکه نوع آنها (نوع تشکیل عقیده، نوع تشکیل اخلاق حسنه و نوع تشکیل ایمان) در ارزشگذاری مشخص می گردد.

۲. لازم است مربی شاکله ی ارزشگذاری را در فرد بدین صورت بوجود آورد که فراگیر به طور آگاهانه، عادت کند قبل از ارتکاب هرگونه رفتار، ابتدا دیدگاه، عقیده، ایمان و اخلاق حسنه را دخالت داده و بر مبنای آنها رفتارهای خویش را تنظیم نماید و نه بر اساس آنچه که خود می خواهد (سلیقه و ذائقه = هوای نفس) و یا دیگران می خواهند (محیط اطرافیان، عوامل بیگانه و ...)

* مفهوم ارزش ها در بخش تشکیل نگرش برای فرد، درونی، عینی و مشخص شده و سپس در ارزشگذاری تبلور پیدا کرده و انتخاب می گردند. (دقت شود)



۷. مهارت هفتم: مهارت « محبت نمودن »

انسان در هر سن و موقعیتی که باشد نیاز به محبت یکی از احتیاجات اساسی او می‌باشد. محبت در ایجاد تعادل درونی و تثبیت شخصیت افراد نقش تعیین کننده ایفا می‌نماید. عدم تأمین محبت باعث برهم خوردن تعادل درونی، آشفتگی‌های روحی - روانی، بیقراری، بیماری‌های عصبی، عدم سازش اجتماعی، عدم توان برقراری ارتباط با محیط و عوارض مختلف دیگری می‌شود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان که او را از دیگر جانداران متمایز می‌سازد، موضوع محبت و عشق و علاقه می‌باشد. در جانداران به جز انسان اگر دلبستگی و وابستگی بین دو موجود مشاهده می‌شود به صورت غریزی و برای مدتی مشخص می‌باشد مانند علاقه به فرزند که در انسان‌ها به طور متکامل و دائمی و اثرگذار بوده ولی در جانداران دیگر به صورت غریزه و پس از مدتی تأثیر خود را از دست می‌دهد. در بین انسان‌ها محبت و عاطفه گاه به قدری شدید است که خود را ممکن است، فدا کنند و همچنین پس از مرگ نیز پیوند عاطفی در انسان ممکن است، تداوم یابد.

در فقدان یکی از بستگان تا مدت‌ها و سال‌ها و تا پایان عمر این احساس تداوم داشته و احساس پیوستگی و دلبستگی محبت همچنان باقی است.

«محبت نیاز اساسی و طبیعی انسان است. یکی از عللی که آدمی را از تنهایی گریزان و در جمع سرخوش می‌سازد، این است که در تنهایی محبت جایی ندارد و تمایلات آدمی در آن برآورده و ارضا نمی‌شود.

محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح و عدم آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. کمبود محبت مشکلاتی را پدید می‌آورد که نه تنها زیانبخش است، بلکه زمینه را برای آشفتگی‌های اجتماعی فراهم می‌سازد.»^۱

۱. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)، ص ۱۱۸.



۱-۷. نکات کاربردی روش محبت

۱. محبت لازم است ابراز شود. در جریان تربیت، خواه در برانگیختن بر انجام پاره‌ای از اعمال یا بر ترک پاره‌ای از آن‌ها باید از قدرت ناشی از پیوند محبت‌آمیز بهره جست. این بهره‌وری به دو گونه میسر است: یکی با بذل محبت و دیگری با حرمان آن.

ابراز محبت مربی به دل بستگی مربی جهت و سمت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در مربی نسبت به مربی است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به انجام برخی اعمال و با منع محبت، او را به ترک اعمالی برانگیخت. به زبان آوردن مهر، مایه‌ی تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه‌ی تأثیرگذاری مربی و مربی است. از این رو در توصیه‌های اسلامی، بر به زبان آوردن مهر تأکید شده است. مربی با بیان محبت پیشی جوینده‌ی خویش نسبت به مربی، او را دل بسته‌ی خویش می‌گرداند. این دل بستگی، بسیار قدرتمند و کارساز است و می‌توان با تکیه بر آن، فرد را آماده و بلکه طالب دوش گرفتن تکالیف ساخت. خداوند خود در موضع تربیت، این شیوه را به کار بسته است. نمونه‌ای از این گونه اظهار محبت را درباره‌ی حضرت موسی علیه‌السلام ملاحظه می‌کنیم:

وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَ لَتُصَنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي^۱ وَ مَن مَّحَبَّتْ خَوِيش رَا شَامِل حَال تُو كَرْدَم تَا

تحت نظر من ساخته شوی.

ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز در برانگیختن شاگردان خود برای تن دادن به تکالیف و کسب خصایل مطلوب تربیتی، از قدرت دل بستگی بهره جستند و خشنودی و سرور خویش را در گرو تلاش آنان برای اصلاح خود قرار داده‌اند.

بیان قهر نیز همچون مهر قدرتمند است، زیرا قهر، منع مهر است و اگر مهر نافذ باشد، منع آن نیز نافذ و برانگیزنده خواهد بود. و «الانسان حریصٌ علی ما منع». به زبان آوردن قهر و ابراز بی‌مهری، ترس از حرمان را در مخاطب (مخاطبی که دل بسته است) دامن می‌زند و همین ترس،



عامل بازدارنده‌ی نیرومندی است که تخطی را مهار می‌زند. نباید از این نیرومندی و تعیین‌کنندگی غافل شد و به روش‌هایی چون زجر و تنبیه روی آورد؛ چه، این شیوه‌ها از حیث تأثیر بسی فروترند.^۱

۲. نسبت به مخاطب متناسب با او ابراز شود. انواع محبت: محبت بین والدین و فرزند، محبت بین همسران، محبت بین بستگان و ارحام (خواهر، برادر، پدربزرگ، مادربزرگ، عمو، عمه، خاله، دایی و ...)، محبت بین دو دوست، محبت نسبت به افراد جامعه اعم از مؤمن و کافر و ...، محبت بین مربی و فراگیر.

۳. محبت همگانی باشد. یعنی به کودک و نوجوان، جوان و بزرگسال اعم از آشنا یا غریبه یا دیگر افراد محیط.

۴. در تعامل با کلیه افراد در همان تماس اولیه با لحن عاطفی، گرم و صمیمی برخورد شود.

۵. محبت مشروط نباشد. در قبال محبتی که می‌شود توقع و انتظاری مطرح نباشد.

۶. میزان محبت متناسب با نیاز، سن، جنس و موقعیت فرد باشد.

۷. عدم افراط و تفریط محبت نسبت به مخاطب.

۸. رعایت عدالت در محبت در محیط یا کلاس.

۹. خالصانه باشد. محبت ساختگی و تصنعی ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد.

با توجه به مطالب فوق مربی به دو شیوه این روش را به کار می‌بندد:

الف) با تک‌تک فراگیران ارتباط عاطفی برقرار نماید و با آنها با محبت برخورد نموده و ارتباط دوستی برقرار نماید.

ب) فضای عمومی کلاس یا جلسه را با حالت و جو عاطفی تنظیم و اداره نماید.

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۲۲۳ - ۲۲۹.



۸. مهارت هشتم: مهارت «ایجاد جو حسن و قبح»

جو «حسن و قبح» از مسائل مهم و مبنائی در تدریس و کلاس‌داری می‌باشد و آن فضایی است (بین مدرس و فراگیر - فراگیران با هم - والدین و فرزند - بین همسران - در کل فضای آموزشی) که در آن خوبی‌ها، پاکی‌ها، مطلوب‌ها، هنجارها، و ... زیبا و حُسن شمرده شده و در مقابل بدی‌ها، پلیدی‌ها، نامطلوب‌ها، ناهنجارها، گناهان و ... زشت و قبیح تلقی می‌گردند. در صورت ایجاد این فضا فراگیر از درون، ملزم می‌شود، از اعمال و گفتاری که صحیح و جایز نیست و خلاف عقل، ادب و نزاکت بوده، قبیح و زشت شمرده می‌شوند، خودداری کند و در مقابل، به اعمالی که خوب و زیبا و مثبت می‌باشند گرایش می‌یابد.

انواع جو حسن و قبح عبارتند از: الف) انسان با خود ب) انسان با محیط (خانواده، همسر، دوستان، بستگان، محیط کار و محیط‌های اجتماعی دیگر) ج) انسان با خداوند (ارتکاب انواع گناهان؛ معمولاً؛ هنگامی است که این جو یا وجود ندارد و یا ضعیف و کم‌رنگ می‌باشد).

مدرس (معلم، مربی، همسر، مادر) لازم است فراگیران را بین جو عاطفی و حسن و قبح قرار داده تا اهداف تربیتی تحقق یابند. لذا یکی از روش‌های تعلیم و تربیت، ایجاد این فضا است. این دو فضا شرایط و محیط را برای یادگیری، تدریس، ادراک و عملکرد، ساخت، رشد و تربیت به خوبی آماده می‌سازند.

۹. مهارت نهم: مهارت «ایجاد شرایط و محیط مطلوب»

۹-۱. مفهوم‌شناسی

به جو و فضایی که بر فراگیر حاکم شده و او باید در آن تربیت شود، شرایط و محیط تربیتی گفته می‌شود.

معمولاً، رفتار، افکار و حالات هر فرد تابع شرایط و محیطی است که در آن قرار دارد. فضا و شرایط فراگیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود آمادگی پذیرش برنامه تربیتی را پیدا



نموده، روند تعلیم و تربیت به راحتی به جریان افتاده در نتیجه از رفتارهای تربیتی مطلوبی برخوردار می‌گردد و از ناهنجاری‌های رفتاری، بطور جدی جلوگیری می‌نماید. به گونه‌ای که فراگیر بر خود مسلط شده، خویش را کنترل نموده، و در عمل مراعات می‌نماید و مراقب اعمال خویش می‌باشد. انتخاب و تنظیم شرایط و محیط مطلوب در شکل‌دهی (برای مربی و دیگر عوامل تربیتی) و شکل‌پذیری حالات و رفتارها (برای فراگیر) نقش تعیین‌کننده دارد. لذا باید فضا و شرایط تعلیم و تربیت بطور مناسب و مطلوب بر عوامل تربیتی و فراگیر حاکم باشد. فضای مناسب مانند بستری است که گیاه برای رشد به آن احتیاج دارد و در حقیقت تربیت افراد بدون وجود جو و فضا ممکن نیست. (منظور از فضا، فضای بین فراگیر و مربی است)

۲-۹. انواع شرایط و محیط

۱- شرایط فکری یا درونی

«اللَّهُمَّ غَيِّرْ سَوْءَ حَالِنَا بِحَسَنِ حَالِكُمْ» «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ» درخواست تغییر شرایط درونی از خداوند ابتدا لازم است شرایط فکری مطلوبی را بطور مناسب ایجاد نمود تا بتوان فراگیر را در مدار تعلیم و تربیت قرار داد. تغییر شرایط درونی و فکری، بستری است برای تشکیل نگرش و ایجاد تفکر صحیح. در حقیقت خودفراموشی نوعی شرایط فکری نامناسب درونی است که با تغییر این شرایط، تربیت فرد حاصل می‌شود.

لازمه‌ی ایجاد شرایط فکری تشکیل نگرش و محصول آن، تفکر صحیح است. محیط سالم بر فرد اثر مطلوب می‌گذارد و انجام تربیت را ممکن می‌گرداند. در غیر این صورت محیط ناسالم بر فرد اثرات سوئی خواهد داشت. شرایط محیطی و بیرونی، در خانواده با توافق و تنظیم والدین ایجاد می‌شود و در مدرسه و گروه همسالان نیز این شرایط لازم است به صورت مطلوب حاکم شود تا با ایجاد آن برنامه تربیتی اجرا شده، به جریان افتد.



۳-۹. عوامل تشکیل دهنده شرایط و فضای مطلوب

۱- جو عاطفی ۲- جو حسن و قبح

امام: رضا ع؛ اَلتَّوَدُّدُ اِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ^۱

«محبت با مردم نیمی از خرد است.»

این سخن از پیامبر اکرم ص و امام صادق ع نیز نقل شده است.

ارتباط قلبی و عاطفی ایجاد کننده جو عاطفی، شرایط مناسب عقلی و فکری و ارتباط فکری نیز، باعث ایجاد جو حسن و قبح می شوند. عدم وجود یکی از این دو جو، که باید بین مربی و فراگیر، برقرار باشند باعث ناکارآمد شدن امر تعلیم و تربیت خواهد شد.

زشت و زیبا با عقل معنا می یابند. فضای حسن و قبح، بسان مظروفی است برای عقل انسان. قوای عقل در مدار تعلیم و تربیت باید به چیزی به نام حسن و قبح تبدیل شود. روابط عاطفی و جو عاطفی، مربوط به درون انسان می شود. تعلیم و تربیت لازم است بر دو پایه جو عاطفی و جو حسن و قبح استوار باشد زیرا این دو پایه ایجاد کننده شرایط بطور مطلوب هستند و بدون وجود یکی از آنها هرگز مربی به اهداف تعلیم و تربیت نخواهد رسید. اگر جو حاکم بر خانواده ها فقط جو حسن و قبح باشد (بدون روابط عاطفی) زندگی کردن در این فضا برای فرزندان دشوار گشته و در نتیجه فرزندان به بیرون از محیط خانواده پناه می برند.

وجود این دو جو در بین اعضاء خانواده و بین همسران در سالم ماندن روابط بین والدین و فرزند - زن و مرد نقش اساسی داشته و خلل در آن باعث می شود فرزند و یا همسران درصدد تأمین نیازهای خود در خارج از محیط خانواده باشند. در کلاسی که از جو و فضای مطلوب برخوردار باشد فراگیران صحبت های مربی را کاملاً پذیرا می شوند و در غیر آن هرگز حاضر به پذیرش وی نیستند. مثلاً دو مربی در دو فضای متفاوت به فراگیری موضوعی را متذکر می شوند، و

۱. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۴۴۳



وی سخن آن مربی را می‌پذیرد که در جو و فضای مطلوب اقدام به تربیت وی نموده است.

۴-۹. کاربرد شرایط و محیط در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)

۱. مربی لازم است فضا و شرایط حاکم بر فرد را بشناسد.

بداند فراگیر در چه سنینی از رشد قرار دارد؛ نوع برنامه تربیتی، افراد تربیت کننده و فضای ارتباطی

خانواده وی را بشناسد؛ آیا در جو استبداد یا آزاد گزارنده قرار دارد یا متعادل؟

جو عاطفی بر خانواده حاکم است یا جو خشک و بی‌روح و سرد یا جو بی‌تفاوت؟ از نوع ارتباط

اعضای خانواده با وی آشنا شود، دیدگاه، نوع عقیده و نحوه تفکرات او و خانواده‌اش را بشناسد.

در مجموع مربی لازم است کلیه عواملی را که اثر مطلوب یا نامطلوب بر فرد گذاشته یا عوامل

و افرادی را که بر دیدگاه و فکر وی مسلط شده و مورد پذیرش او هستند را بشناسد و سپس با

توجه به اطلاعات و شناخت حاصله، برنامه تربیتی و موضع تربیتی را اتخاذ نموده و جریان تعلیم

و تربیت را برای آن فرد به جریان اندازد.

۲. مربی لازم است فراگیر را از سن نوجوانی نسبت به شرایط و فضایی که در آن قرار دارد

آگاه سازد(به ادراک رسیدن)، تا خود شرایطی که بر خویش حاکم است را ادراک نماید. یعنی از

فرد یا افراد ذی‌نفوذ بر او، تأثیرپذیری وی از شرایط سنی، نوع فضای فکری، نوع روابطش با

اطرافیان و ... اطلاع یابد.

به عنوان مثال بد خلقی یک عضو خانواده را در نظر او مجسم و تشریح نموده تا او خود از بد

خلقی در خانواده دوری نماید. یا نسبت به مضرات سیگار در خانواده‌ای که پدر معتاد به آن است،

فرد را آگاه نماید. همچنین لازم است فرد یا افراد ذی‌نفوذ به وی شناسانده شوند ممکن است یکی

از اقوام فراگیر به آسانی بر او اثر بگذارد(مانند دایی، عمو، استاد، همسایه و یا حتی یک فیلم و یا

یک کتاب). این موارد را به وی تفهیم نماید تا فرد بدون بکارگیری قوه‌ی شناخت، خود را تماماً

در اختیار آن فرد یا عامل قرار نداده و سریعاً تسلیم عقاید افراد ذی‌نفوذ نگردد.



۳. مربی لازم است فراگیر را به این نتیجه رساند قبل از آنکه به محیطی وارد شود، نسبت به آن محیط و تأثیر احتمالی آن بر خود شناخت کافی پیدا نماید و بداند آن محیط خاص، ممکن است چه تأثیراتی بر وی بگذارد و او با آن محیط چه برخوردی انجام دهد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ»^۱.

امام صادق علیه السلام: «برای مؤمن سزاوار نیست که در مجلسی بنشیند که در آن نافرمانی خداوند می شود و او نمی تواند مانع شود.»

مثال: از آنجا که بروز حالت های جدید در سن بلوغ در بین پسران و دختران ایجاد نگرانی و وحشت می نماید و به دنبال آن فرد را دچار نوعی عدم تعادل و ثبات درونی می نماید (مانع درونی)، مربی لازم است:

الف) تغییرات جسمی و روحی دوران بلوغ و نقش هورمون ها را برای وی تشریح نماید.

ب) تأثیر فضای دانشجویی و سخن استاد بر او، جدید بودن جلوه های دانشگاه را برای او بازگو کند.

ج) حال و هوای سربازی و آسایشگاه و پُست و پادگان را برای او تشریح نماید.

د) مسائل ازدواج و پیامدهای آن و احساس جدیدی که به او دست می دهد را بیان نماید.

۴. مربی لازم است به زمینه سازی و سالم سازی محیط تربیتی (محیطی که فراگیر در آن تربیت می شود) اقدام نماید، گروهی را برای وی انتخاب، تا به عضویت آن در آید و نهایتاً شرایط فکری مطلوبی را بر فرد حاکم کند تا فرد در مدار تعلیم و تربیت قرارگیرد.

مثال: والدین و مربی لازم است از شرکت فراگیر در محیط های مبهم، مشکوک و ناسالم اجتماعی نظیر رفتن وی به جشن تولد و میهمانی های نامناسب و... شدیداً جلوگیری نمایند و به بهانه ای این که

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۲۱.



صله‌ی رحم امری است مؤکد و سفارش شده در اسلام، او را رها ننمایند و از شرکت فرد در یک مجلس ناسالم ممانعت نموده، وی را از آثار سوء آن در امان بدارند. همچنین در مقابل برنامه‌های نامناسب تلویزیونی، محیطی سالم و آزاد ایجاد نمایند و برای برنامه‌ی نامناسب تلویزیون بهای چندانی قائل نشوند، بدین ترتیب که همزمان با پخش آن، برنامه‌ای جذاب‌تر نظیر اردو، گردش، کوه و ... ترتیب داده، جایگزین نمایند.

۵. زمینه‌سازی شرایط و محیط تربیتی: جو و فضایی که فرد در آن قرار می‌گیرد عامل بسیار مهم، مؤثر و تعیین کننده‌ای در ثمر بخشی برنامه تربیتی بر فراگیر می‌باشد. وجود فضای تفاهم، دوستی، محبت، جو عاطفی و برادری و معنویت نقش بسیار مهمی را در انجام و وقوع تعلیم و تربیت بر عهده گرفته و تا حد زیادی آن را امکان‌پذیر می‌سازد. مثلاً اگر در محیطی مانند خانواده یا کلاس یا جامعه، التهاب، تنش، اختلافات و ناامنی وجود داشته باشد امکان تربیت نمودن فراگیر ضعیف و مشکل و گاهی غیرممکن خواهد بود و در برخی مواقع نیز نتایج معکوسی به بار می‌آورد.

همانگونه که بیان شد فضا و شرایط مناسب در تشکیل هویت و شخصیت فرد نقش بسزایی دارد و در ابتدا لازم است زمینه‌سازی گردد یعنی شرایط را برای تربیت فرد مساعد نموده و عوامل مخل و باز دارنده را خنثی و دفع نمود، تا موانع برطرف گردیده و فضای مناسب فراهم آید؛ این فضا لازمه‌ی تعلیم و تربیت است لذا ضروری است علاوه بر ایجاد شرایطی که باعث بروز حالات و رفتارهای مطلوب می‌شود، از ایجاد شرایطی که در شکل‌دهی رفتار و حالات نامطلوب مؤثر است جلوگیری به عمل آورد (پیشگیری به منظور عدم بروز انواع رفتارهای نامطلوب). در فرهنگ قرآن برای زمینه‌سازی و این نوع پیشگیری واژه‌هایی از قبیل «ولاتقربوا» به کار رفته است مانند: «وَلَاتَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ»^۱ نزدیک کارهای زشت نروید.



۶. تغییر در شرایط و موقعیت: گاهی اوقات مربی برای ایجاد تغییر، ساخت و تربیت فراگیر، بدون توجه به شرایط، فضا و محیط حاکم بر وی، تمام تلاش خود را بر رفتار وی معطوف داشته و او را با انواع اوامر و نواهی تربیتی مواجه می‌سازد ولی حاصل آنکه به نتیجه‌ای دست نیافته، و از اصلاح و تربیت وی مأیوس می‌گردد. بین والدین و فرزندان، مربی و فراگیر، بین دو همسر، بین مدیران و کارکنان، بین مجریان و برنامه‌ریزان و بین رهبران جامعه و مردم ممکن است این حالت روی دهد، در حالی که با تغییر در شرایط، محیط و موقعیت فراگیر به راحتی می‌توان اعمال، گفتار، طرز تفکر، ارزش‌ها و حتی مهم‌تر از آن دیدگاه و نگرش وی را تغییر داد، لذا مربی لازم است از تغییر موقعیت در شرایط زمانی و مکانی و تغییر در شرایط اجتماعی استفاده نماید.

فلسفه‌ی هجرت، سفرهای زیارتی، سفر حج، عتبات عالیات (کربلا و نجف اشرف) و مشهد مقدس، مسافرت‌های فصلی دور و نزدیک، تغییر محیط‌های شغلی، تغییر مدرسه، تغییر منزل، تغییرات در فضای منزل، تغییر دوستان و هم‌نشینان، تغییر برنامه روزانه، تغییر در ساعات خواب و بیداری و برنامه‌های چهل روزه برای خود سازی در علم اخلاق، تغییر مشی اجتماعی حاکمان، همگی در این راستا می‌باشند.

۱۰. مهارت دهم: مهارت «ایجاد شاکله تفکر صحیح»

۱۰-۱. مفهوم‌شناسی «تفکر صحیح»

هرگاه نیروی فکر هر فرد بر مبنای صحیح (نگرش مطلوب تشکیل یافته - فطرت - شرع) و به طور اصولی، یعنی بر اساس نیات صادق و پاکی و راستی بالفعل گردد، وی به تفکر صحیح دست یافته است. هر فرد در هر موقعیت سنی، در زیست روزانه خود و در تعاملات و کنش‌های اجتماعی نیاز شدید به «عاملی» دارد که به واسطه‌ی آن هر چه مطلوب‌تر زندگی نموده، در صحیح برقرار نمودن ارتباط با عوامل اجتماعی (خانواده، محیط زندگی، مدرسه و ...) موفق شده، رعایت حقوق آن‌ها را نموده، قوانین و ضوابط اجتماعی را نیز در عمل رعایت نماید.



لازم به ذکر است حقوق اجتماعی با قوانین اجتماعی متفاوت است؛ قوانین اجتماعی مقررات و قوانینی است که در یک جامعه جهت برقراری نظم و مشابه آن، وضع و رعایت می‌شوند مانند مقررات راهنمایی و رانندگی و ...، حقوق اجتماعی، که در اسلام به آن اهمیت بسیاری داده شده، نظیر حقوق اطرافیان و اعضای جامعه، حق والدین، حق استاد، حق همسایه و ... می‌باشد.

برای اینکه فراگیر به اهداف زیست عرضی خود رسیده، با تماس و برخورد های صحیح و صداقت و راستگویی و گفتگوی صحیح (زیبا صحبت نمودن، عدم بکار بردن الفاظ زشت، رعایت عفت کلام) چهره‌ی مطلوبی از خود بسازد، به یک عامل و محوری قوی نیازمند است و آن، تفکر صحیح است.

تفکر صحیح یکی از عوامل مهم در ساخت و شکل‌گیری شخصیت مطلوب فردی و اجتماعی برای هر فرد و نیز منشأ برخورداری از انواع رفتارهای مناسب و صحیح خواهد بود.

اهداف و غایت نهایی آیات قرآن و دستورات ائمه علیهم‌السلام ایجاد یک شاکله‌ی فکری در فرد است تا او به تفکر صحیح دست یافته و این طرز تفکر یاری دهنده‌ی فرد در زیست روزانه‌ی او باشد. کلام و فقه شیعه بر مبنای تفکر صحیح، باید ها و نبایدها، حسن و قبح عملی و فکری را تنظیم نموده است.

در مجموع در مبنای شیعه تربیت هر فرد مستلزم وجود انگیزه، نیرو و عامل قوی درونی در فرد است تا خود آن چه صحیح بوده را تشخیص و سپس انجام دهد و از خطا و اشتباه و انحراف اجتناب ورزد؛ این اصل و عامل و نیروی درونی کار آمد (=ایمان و تعقل) در تفکر صحیح تبلور و شکل‌بندی می‌شود، در نتیجه می‌توان گفت با ایجاد تفکر صحیح در فرد، وی به نحو احسن تربیت شده است.

تفکر صحیح در صورتی که با نیت صادق همراه شد، در نهایت فرد را به زیستی مطلوب و صحیح رهنمون می‌نماید. (نیت صادق بر خاسته از ایمان و اخلاق حسنه است).

از تفکر گاهی به لفظ تدبّر و اندیشه و در قرآن از آن به، لُبّ، هم تعبیر می‌شود که نهایتاً به



تعقل ختم خواهد شد، در مرحله تعقل، هنگامی که قوه‌ی عاقله با دستورات قرآن و ائمه اطهار علیهم السلام همراه شده، در صحنه وجودی انسان نمودار گردد، تفکر صحیح تشکیل و به کارآیی می‌رسد.

۲-۱۰. فواید «تفکر صحیح»

تفکر صحیح به انسان‌ها ارزش و بها داده، به نوع اعمال از نظر صحیح بودن می‌پردازد. اگر فرد (فراگیر) واجد تفکر صحیح شود، واجد رفتار و گفتار صحیح هم خواهد شد. (کسب تفکر صحیح = صحت رفتار و گفتار)

در نتیجه تفکر صحیح یک محور تربیتی است که فرد با کسب آن خود به خود حقوق و قوانین اجتماعی و مهم‌تر دستورات فقهی و دینی را به نحو مطلوب رعایت خواهد نمود (یعنی حدود و حقوق شرعی اعم از انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات و گناهان، خود به خود رعایت می‌گردد). فقدان شاکله‌ی تفکر صحیح، ضعف و یا از دست دادن آن ریشه‌ی انواع جرائم و تخلفات اجتماعی و فکری و رفتاری است. ایجاد و گسترش تشکیلات قوه قضائیه یا انواع دادگاه‌ها و زندان‌ها و نیروی انتظامی با بودجه‌ی عظیم آن، در هر مملکت، مربوط به این تخلفات و جرائم می‌باشد.

کج خلقی، کج فکری، کج سازگاری، ناسازگاری، خطاکاری، بزهکاری و ... همگی مربوط به عدم تفکر صحیح است.

از نظر فقهی و اخلاقی، اعمالی مانند: انواع سرقت‌ها (سرقت اموال دیگران، کوتاهی معلم نسبت به تربیت فراگیران یا عدم مطالعه قبل از ورود به کلاس، خالی گرفتن پیمانانه توسط فروشنده و...)، تقلب، رشوه، ربا و نزول خواری، انواع نزاع‌های خانوادگی، اختلافات زناشویی و اکثر طلاق‌ها، ابتلا به انواع اعتیادها، انواع مفاسد، ریاکاری، نفاق، کبر و خودخواهی، تخلف در امانت و وعده، غصب انواع حقوق فردی و اجتماعی، تبعیضات (# عدالت) و ... معلول فقدان، ضعف و یا



از دست دادن تفکر صحیح می‌باشد. تفکر صحیح می‌تواند مانع صرف بودجه و هزینه‌ها، آسیب‌ها و زیان‌های مادی و انسانی و به هدر رفتن استعدادها و توانایی‌ها گردد. تفکر صحیح راه صحیح تأمین نیازها را می‌نمایاند و وصول به انواع این نیازها را تسهیل می‌نماید. با تفکر صحیح، استعدادها به خوبی بالفعل می‌شوند و این فعلیت همان ایجاد توانایی‌ها در فرد می‌باشد.

* به طور کلی، تفکر صحیح، به نوع اعمال، از نظر صحیح بودن می‌پردازد.

۳-۱۰. کاربرد ایجاد «تفکر صحیح» در تعلیم و تربیت فراگیر (وظایف مربی در این راستا)

دقت در زبان عمومی قرآن نشان می‌دهد قرآن گاهی به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم به تفکر صحیح، فواید آن و نتایج حاصل از عدم آن می‌پردازد. تأثیر و حاصل بسیاری از آیات قرآن ایجاد شاکله‌ی تفکر صحیح در فرد است و معمولاً بدین صورت است که:

قرآن از طرفی فرد را به مبدأ توجه عمیق داده (روحیه توحید) و از سوی دیگر مقصد و معاد را مقابل وی قرار می‌دهد. (دقت شود)^۱

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۲ - وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۳ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ^۴ - إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا^۵ - وَنُضِعَ الْمَوَازِينُ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا^۶

حالت درونی و فکری فردی که بین این دو مدار (مبدأ و معاد) قرار گرفته و با تمام وجود این دو را حس نموده و آن دو را مبنای عقیده‌ی خود قرار می‌دهد، چگونه خواهد بود؟ یعنی از طرفی

۱. أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق/ ۱۴) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران/ ۱۸۵)

۲. بقره/ ۱۵۶

۳. حدید/ ۴

۴. حج/ ۱

۵. زلزله/ ۱

۶. انبیاء/ ۴۷



خداوند را در همه حال حاکم بر خود و اعمال و گفتار و افکار خویش دانسته و او را با تمام وجود بر خود حس می‌نماید (= او را علیم می‌داند، هُوَ مَعَكُم) و از سوی دیگر به سرای آخرت و پاداش و مجازات اعمال کاملاً پایبند و معتقد می‌باشد (= مرحله ادراک) لذا در این حالت قبل از انجام هرگونه عملی رضایت او را دخالت می‌دهد (وجود روح توحید، صِبْغَةَ اللَّهِ) در نهایت این حالت به وجود آمده (از توجه عمیق به آن دو)، شاکله‌ای را در فرد به وجود می‌آورد که همان تفکر صحیح است.

عامل مهم در تربیت فرد و جامعه، وجود «روح توحید» است و کم‌رنگ شدن این روحیه باعث تشدید جرایم و مفساد خواهد بود. علت اصلی عقب‌ماندگی مسلمان‌ها و نبود تفکر صحیح در جوامع اسلامی، فراموشی مفاهیم قرآن و مطرح نبودن قرآن در زیست عرضی و طولی آنان می‌باشد. قرآن زمانی با موضوع هدایت و گاه با طرح صراط مستقیم فرد را به تفکر صحیح گرایش داده و مواقعی برای این موضوع واژه‌ها و مفاهیم ضلالت و اعمی (نابینایی دل) را در مقابل تفکر صحیح مطرح می‌سازد. گاهی با طرح کسب سعادت و زمانی هم با ایجاد سؤال (روش بسیار مؤثر) و اندیشه نمودن و تعقل ورزیدن، او را برای کسب این مهم یاری می‌دهد. و بسیار دیده می‌شود که قرآن کریم خصوصیات و ویژگی‌های افرادی که واجد یا فاقد تفکر صحیح هستند را بیان می‌دارد. (محصول هدایت یافتن و اثر آن و تأثیر به دنبال سعادت بودن، حصول تفکر صحیح است).

در قرآن اولوالالباب، یعنی صاحبان خرد، به همین افراد اشاره دارد. برای هدایت و مشتقات آن حدود ۳۱۳ آیه آمده و صراط مستقیم در ۳۴ آیه بطور صریح ذکر شده و حداقل حدود ۱۱ آیه بطور غیرمستقیم به صراط مستقیم اشاره دارد. واژه سوياً به معنی صحیح و سالم و بی‌نقص و راه راست، نیز به تفکر صحیح اشاره دارد.

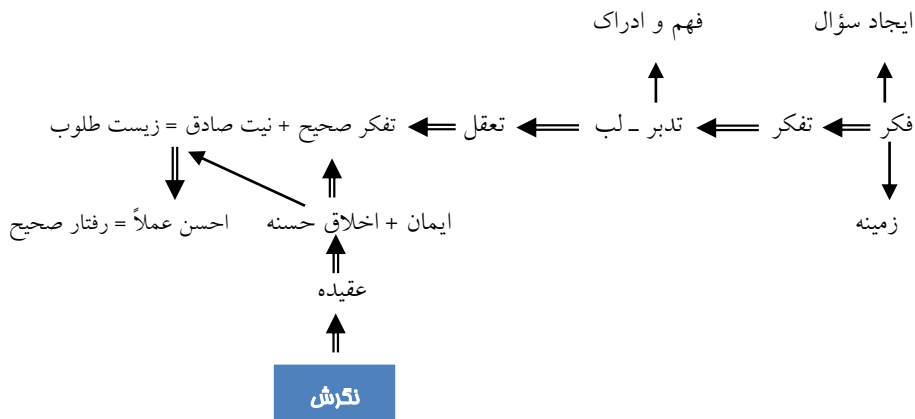
۴-۱۰. منشأ «تفکر صحیح»

منشأ تفکر صحیح در نوع برقراری ارتباط فرد با خداوند و نوع اعتقاد و پذیرش عملی ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام است (پذیرش ولایت پس از مرحله‌ی حبّ باشد) به عبارت دیگر منشأ و



ریشه‌ی تفکر صحیح به نوع نگرش، عقیده، ایمان و اخلاق در فرد مربوط می‌شود. می‌توان گفت علت و نیروی انجام اعمال متوجه ایمان است و تفکر صحیح به نوع اعمال از نظر صحیح بودن می‌پردازد.

هدف نهایی علم اخلاق نیز ایجاد شاکله تفکر صحیح در افراد بوده تا وی واجد خلق حسنه یعنی متّصف به صفات و رفتار شایسته گردد. تفکر صحیح که بر اثر نظام تربیتی خانواده و جامعه است، در بدو تولد انسان وجود نداشته و لازم است با تربیت او در محیط خانواده شکل‌گیری شود. خانواده در سال‌های اولیه‌ی پس از تولد کودک در ایجاد تفکر صحیح نقش مهم و تعیین‌کننده را داشته و با قدم گذاشتن وی به اجتماع و محیط آموزشی مدرسه، عوامل تربیتی دیگر از قبیل معلم، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، صدا و سیما و ... نقش تداوم و تکمیلی آن را بعهدہ خواهند داشت.





۵-۱۰. «تفکر صحیح» در متون اسلامی

الف) خصوصیات و ویژگی های افراد واجد یا فاقد تفکر صحیح (از دیدگاه قرآن و احادیث)^۱

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ^۲

«چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که برخدا دروغ ببندد و سخن راست (و وحی الهی) را

هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟!»

در این آیه با طرح سؤال، به عدم تفکر صحیح تصریح شده است.

وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^۳

«اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند.»

در این آیه نیز به تفکر صحیح تصریح شده است.

وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ^۴

«(توکل کنندگان بر خدا) همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند، و

هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند.»

واژه «سلم» در حدیث «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»^۵ مسلمان کسی است که

۱. وَالَّذِينَ اتَّقَوْا - وَالَّذِينَ آمَنُوا - قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (مؤمنون/۱) و آیات بعدی آن که ویژگی های متعددی را بیان می‌دارد. و لا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (اسراء/۳۶) - فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَ يَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (زمر/۱۸) - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب/۷۰) - هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۹) - هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرَ (انعام/۵۰) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا امْنُوا (نساء/۱۳۶) قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (يونس/۱۰۸) بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، به نفع خود هدایت می‌شود؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم.» امام صادق علیه السلام: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ» (اصول کافی/ج ۳، ص ۹۱) «بهترین عبادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.» تداوم تفکر باعث ایجاد تفکر صحیح می‌شود.

۲. زمر/ ۳۲

۳. زمر/ ۳۳

۴. شوری/ ۳۷

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۹۲.



دیگر مسلمانان از زبان و دستش در امان باشند، حاکی از تفکر صحیح است.

واژه «سلم» اختصاص به تعاملات اجتماعی دارد در صورتی که فرد در پی سلامت تعاملات اجتماعی باشد، لازم است شاکله‌ای در وجود خود ایجاد نماید که همیشه و هر زمان از دست و زبان خود مراقبت نماید. بدینگونه بر طبق فرمایش امام صادق علیه السلام زینت ائمه باشد.^۱

در مجموع، تفکر صحیح در قرآن حداقل در ۹ محور مطرح شده است:

۱. مبدأ و معاد که روح توحیدی می‌دهد.
۲. هدایت
۳. صراط مستقیم
۴. کسب سعادت
۵. ضلالت
۶. اعمی
۷. ایجاد سؤال
۸. بیان خصوصیات افراد
۹. اولوالالباب

ب) نماز - روزه و تفکر صحیح

می‌توان گفت یکی از فلسفه‌های وجودی نماز، ایجاد و مهمتر از آن، حفظ تفکر صحیح می‌باشد. لفظ و نفس درخواست هدایت و سمت‌گیری برای صراط مستقیم، یعنی درخواست و سوگیری برای تفکر صحیح.

با دقت در نماز و فلسفه‌ی آن، متوجه خواهیم شد که عموم افعال و اذکار و فرازهای نماز (اقدامات قبل، حین و بعد از نماز)، در راستای ایجاد، حفظ و تقویت تفکر صحیح است. مانند غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار (غصب # تفکر صحیح)

وقت شناسی برای نماز، قبله و جهت‌یابی، فلسفه تکبیرة الاحرام، رکوع، سجود، تشهد و... . اگر زندگی و گذر روزها و هفته‌ها و ماههای آن، برای ما «عادت» شود و غرایز و خواهش‌ها محور شوند، برای آنها، بمانی و تلاش کنی، در این گذرها، ارزش‌ها، محو و یا بی‌اثر خواهند شد

۱. «کونوا لنا زیناً و لا تکنوا علینا شیئاً» - (شیعیان) زینت ما باشید نه باعث ملامت و سرزنش ما. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ إِنَّ اللَّهَ يَنْظُرُ إِلَى نِيَاتِكُمْ وَ قُلُوبِكُمْ» خداوند به شکل ظاهری و اعمالی که نشان می‌دهید نگاه نمی‌کند، آنچه مورد پذیرش خداوند است نیت پاک و سالم است.



که در نتیجه، از حقایق یا نامی می ماند و یا شکل (نماز خوانده می شود ولی عادت است و بی اثر = شکل نماز). سخن گفته می شود، بدون اینکه در کلام، جایگاه ارزشی و یا غیر ارزشی برای راست و دروغ آن وجود داشته باشد، از حقایقی چون وفای بعهد، مروّت، حریت، اخوّت، گذشت، رحم و ... نامی مانده و حضور چندانی در زیست عرضی ندارند، در نتیجه محور بودن می شود «عادت»، و این عادت مقدمه «ضعف نفس»، و سپس «انحراف و سقوط» (= محو تفکر صحیح) از روزه و فلسفه آن می توان چنین برداشت کرد که:

رسالت روزه، بازسازی، تقویت (به سازی) و استمرار تفکر صحیح است. حالت عمومی رمضان، مواظب بودن است و سپس ایجاد و حالت توجه به وجود خود (خودیابی)، محیط و خداوند می باشد.

* عادت یعنی ابتدا ضعف و سپس فقدان تفکر صحیح. و از رسالت های مهم روزه خروج از عادت ها و ورود به تفکر صحیح است.

در رمضان باید روزه را شروع کنی، از سحر تا مغرب (= موقعیت شناس شدن) و در روز آن همه «چیزها» را نخور (= امساک).

انجام ندادن، گاهی، توانایی برتر می خواهد تا انجام دادن و این «نه، خور» یعنی ایجاد توانایی «نه، به خود» گفتن است، که حاصل آن، بر هم خوردن «عادت» است، در هنگامی که همه ی شب ها معمولاً می خوابیدی (سحر) و نمی خوردی، حال بیدارشو و بخور (استحباب سحری خوردن).

* به مبطلات روزه توجه کن:

«نه» گو و نه «بند»، به خداوند (به عنوان مبدأ و مقصد تو، انالله ...) به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام (بعنوان راهنما)، دروغ را (که نفس دروغ، نمود اسارت درونی است، که منشأ آن از بدترین اسارت ها - اسارت فکر- است و هم اوست که اسارت زبان را نتیجه دارد، که زبان سخنگوی فکر است و این سخنگوست که به این و آن «بند» می بندد).



لذا این «نه گفتن» «تو یافتن «خود» بود. که اگر خود را یافتی، آنگاه، توانسته‌ای جایی برای استقرار تفکر صحیح بیابی.

توجه کن که گرد و غبار نخوری (=توجه به محیط)، لذا مواظب هوا (توجه به فضای که در آن هستی) باش، چشمت را باز کن و درست ببین که آن، چگونه است (صاف است و پاک؟، یا آلوده به غبار؟).

عامل دیگری که روزه‌ات، (این عامل و جو معنا دادنت، در روزت) را ننگ می‌دارد، عدم آمیزش (= کنترل و تنظیم این غریزه) با دیگری (کنترل تمایل به غیر) است. لذا این عامل، کنترل غریزه شهوت کند که آن از قوی‌ترین غرایز است و سیری ناپذیر، و اگر قوی‌ترین کنترل شود، توان سلطه بر بقیه‌ی را خواهی داشت. که حالت شهوت، نمود هوای نفس است.

از انجام ندادن‌های دیگر استمناء (استشهائ در زن) است، که آن عارضه‌ی «ضعف اراده» و «عدم تعادل روحی» است، با خود این ارضای غیرطبیعی و انحراف را انجام نده و بر خود این حرام را تحمیل مکن که اگر چنین کنی، معترف به ضعیف‌النفس بودن شده‌ای.^۱

* تا اذان صبح (نقطه شروع عرفان روزه)، بر جنابت باقی‌نمان و آلوده وارد بر روزه مشو، که ورود به روزه، حالت پاک می‌خواهد، لذا برای پاکیت، قبل از ورود، غسل کن. ^۲ که اگر چنین کنی محیط درونت را مطلوب کرده‌ای. (همان ایجاد شرایط و محیط مطلوب درونی است که در قسمت قبل مطرح گردید.)

۱. از عوارض جسمی و روانی این انحراف مخوف، در زنان، با عث سرد مزاج شدن، عدم تمایل به ازدواج، آسیب رسیدن به بنیان خانواده بر اثر سوء روابط جنسی با همسر و... شده و در مردان آسیب‌های فراوانی برجا می‌گذارد. از قبیل: ترسو شدن، درون‌گرا شدن و اماندن، احساس ندامت مداوم، ضعف اراده مزمن، ضعف اعصاب و ...
۲. غسل، حالت مطلوب روحی و روانی و عصبی ایجاد می‌نماید.



۱۱. مهارت یازدهم: مهارت « تربیت دینی »

۱۱-۱. مفهوم

بسیاری از خانواده‌ها و مربیان و معلمان، مذهبی هستند ولی فراگیران یا فرزندان خود را تربیت دینی نمی‌کنند. یعنی شخصیت فرد مذهبی بوده ولی هویت او التقاطی و بر مبنای دستورات اسلامی شکل‌یابی نشده است. با تربیت دینی به طور واقعی، تربیت انسانی میسر می‌شود و آن تربیتی که مورد نظر و مطلوب قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد و به آن بسیار سفارش نموده‌اند، تربیتی دینی است.

۱۱-۲. « تربیت دینی » چگونه حاصل می‌شود؟

۱. در تربیت دینی شالوده و تاروپود و مبنای برنامه تربیتی، فقط نگرش توحیدی و عقیده‌ی توحیدی به طور کامل می‌باشد.
- نگرش توحیدی کامل، نگرشی است که قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام معرفی می‌کنند و عقیده‌ی توحیدی نیز بایدها و نبایدهایی است که قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام ارائه می‌نمایند.
۲. نگرش توحیدی و عقیده‌ی توحیدی لازم است اساس زیست طولی و عرضی مربی و فراگیر و خانواده باشد.
۳. عامل تعیین‌کننده در موضع تربیتی و روش‌های تربیتی، نگرش و عقیده توحیدی می‌باشد.
۴. اساس ارزشگذاری و تعیین‌کننده‌ی اهداف، نگرش و عقیده‌ی توحیدی می‌باشد.
۵. تفکر صحیح بر مبنای نگرش و عقیده توحیدی مفهوم و عینیت یافته، بدون آن دو کسب ایمان و اخلاق حسنه میسر نمی‌باشد.

* در مجموع در تربیت دینی فقط به دستورات و انتظارات قرآن و ائمه علیهم‌السلام عمل می‌شود. لذا جامعه‌ای که دارای تربیت دینی شود، نه تنها می‌تواند از رشد و ترقی و تکنولوژی برخوردار باشد، بلکه انواع مفاسد و انحرافات در آن کنترل می‌شود، در نهایت آنچه که از تربیت



دینی نصیب فرد و خانواده و اجتماع و مربی خواهد شد آرامش و سعادت واقعی و خوشبختی همه‌جانبه است. تربیت دینی راه گمشده‌ی ملت‌های دینی، اسلامی و علل عقب‌ماندگی آنان و همچنین عاملی جهت کسب فضائل و ارزش‌های انسانی در جوامع غربی و صنعتی محسوب می‌گردد.

۱۲. مهارت دوازدهم «مهارت‌های ناظر به اهداف رفتاری»

۱۲-۱. مهارت «ایجاد رفتار تازه»

* برای ایجاد رفتارهای تازه معمولاً از روش‌های مبنایی و اصولی باید استفاده نمود.

از این روش‌ها نیز می‌توان استفاده کرد:

الف) تقلید و سرمشق (الگوئی):

این روش برای تربیت رفتارهای ساده و اولیه، (بویژه در کودکان) کارایی بیشتری دارد. در این روش، الگویی شاخص شده و آن با رعایت شرایط و بطور مطلوب، در محیط فرد، وارد می‌شود و فراگیر با مشاهده رفتار الگو آن را عیناً تکرار می‌کند، که پس از تکرار رفتار مطلوب، آن رفتار را باید تقویت نمود.

ب) تفکیک پاسخ: مربی به تقویت اجزایی از رفتار فراگیر می‌پردازد که مفید تشخیص داده شود و به اجزای نامربوط توجهی نمی‌کند.

ج) شکل دادن: ابتدا اجزای رفتار مورد نظر را در فرد ایجاد کرده، سپس رفتار مورد نظر شکل‌دهی می‌شود. (مانند آموزش نماز). بازی‌های پازلی مربوط به این روش می‌باشد.

د) زنجیره کردن: انتخاب رفتارهایی که قبلاً در خزانه رفتار فرد وجود داشته‌اند و ترکیب آنها با یکدیگر و ایجاد یک رفتار جدید و پیچیده‌تر.



۱۲-۲. مهارت «افزایش رفتار موجود»^۱

برای افزایش رفتار موجود می توان از راه های ذیل استفاده کرد:

الف) «تقویت مثبت»: روش تقویت مثبت یعنی اینکه بعد از پاسخ، محرکی وارد شود و آن محرک پاسخ را افزایش دهد. هر تقویت کننده می تواند یک پاداش باشد، اما هر پاداشی نمی تواند تقویت کننده باشد.

ب) «تعمیم» و «تمیز»: «تعمیم» یعنی اینکه گسترش پاسخ از محرک های اولیه، که در حضور آنها پاسخ داده می شود، به محرک های مشابه، در شرایط دیگر. به منظور جلوگیری از افراط در تعمیم و یا تعمیم نامناسب می توان از «تمیز» استفاده کرد، یعنی به فراگیر کمک نمود تا بین یک محرک و محرک های دیگر تمیز و تفاوت قائل شده، بداند که در مقابل چه محرکی باید پاسخ مقتضی را ارائه، و در مقابل چه محرکی نباید پاسخ دهد.

ج) «تقویت منفی»: یعنی خارج کردن محرک از موقعیت، به منظور افزایش رفتار مطلوب و بر خلاف تقویت مثبت یک محرک بیزارکننده از موقعیت خارج و یا تقلیل داده می شود. مثال: فراگیر با فردی دوست شده و او از وی تأثیر پذیرفته، حرکات زشت وی را تکرار می کند. مربی در این حالت رابطه فراگیر را با آن فرد قطع و در حقیقت این محرک را از موقعیت (مدار تربیتی فراگیر) خارج می کند.

۱۲-۳. مهارت «نگهداری رفتارهای مطلوب»

روش «تقویت متناوب»

هرگاه رفتاری مطلوب و یا رفتاری تازه بر اثر تقویت مداوم ایجاد شود و یا افزایش یابد، لازم است مربی - والدین عامل تقویت را به تدریج کم کند، زیرا در مدار تربیت، تقویت متوالی یک

۱. برای توضیحات بیشتر به کتاب روش کلاسداری قرآن فصل ۲ تألیف نگارنده و یا مهارت های آموزشی و پرورشی (حسن شعبانی) مراجعه شود.

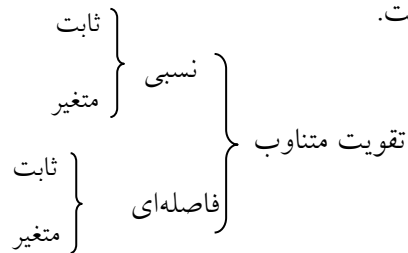


رفتار نه جایز است و نه امکان پذیر. از طرف دیگر اگر رفتاری برای مدتی تقویت نگردد، آن رفتار کاهش یافته و یا از بین می رود یا به عبارت دیگر خاموش می شود. روشی را که برای جلوگیری از خاموشی یا نگهداری رفتار بکار می برند تقویت متناوب نامیده می شود.

تقویت متناوب را به صورت **تقویت نسبی** و **تقویت فاصله ای** می توان بکار برد. هر یک از این انواع نیز ممکن است به صورت **ثابت** و **متغیر** بکار گرفته شوند.

در **تقویت نسبی ثابت**، عمل تقویت پس از تکرار تعداد معینی از پاسخ انجام می گیرد، مثلاً اگر مربی - والدین به فراگیر در ازای هر چند مرتبه نمازخواندن، امتیازی یا جایزه ای بدهد در واقع برنامه نسبی ثابت را بکار برده است، اما در **نسبی متغیر** از پیش معلوم نیست رفتار پاسخ دهنده در ازای چند پاسخ (نماز) تقویت می شود، در این روش، رفتار پاسخ دهنده، گاهی پس از انجام مقدار زیادی از رفتار و زمان دیگر پس از چند رفتار کم، تقویت می شود.

در **تقویت فاصله ای ثابت**، بجای تعداد پاسخ معین، پس از طی مدت زمان ثابتی، رفتار تقویت می شود. مثلاً ممکن است مربی - والدین در پایان هر هفته به خواندن نماز پاداش و جایزه دهد اما اگر او بجای پایان هفته، متناوباً در هر یک از روزهای هفته از فراگیر نمازخواندن را بخواهد، در این صورت او از **فاصله ای متغیر** استفاده کرده است. معمولاً تأثیر تقویت نسبی متغیر و تقویت فاصله ای متغیر، در نگهداری رفتار، از تأثیر تقویت نسبی ثابت و تقویت فاصله ای ثابت بیشتر است.



برای نگهداری رفتارهای مطلوب از روش های دیگری هم می توان استفاده نمود.



۴-۱۲. مهارت «تقلیل یا محو رفتارهای نامطلوب»

برای این هدف از این روش ها می توان استفاده کرد:

الف) «خاموشی»: رفتارهای نامطلوبی را که به هر دلیل در فراگیر شکل گرفته شده است با

تلاش مربی تقلیل و یا به کلی از بین بروند (با انواع تشویق ها، پاداش و ...)

ب) «تقویت رفتارهای مغایر»: رفتار مطلوبی که مغایر با رفتار نامطلوب است تقویت می شود.

مثلاً فراگیری که به دروغگویی و یا صحیح نخواندن نماز عادت کرده است، هر وقت که راست بگوید و یا صحیح نماز بخواند بلافاصله مورد تقویت قرار می گیرد. اما در مقابل دروغگویی و یا صحیح نخواندن نماز، ابراز نارضایتی شود.

ج) «سیری» یا «اشباع»: گاهی اوقات این روش کاربرد مؤثری دارد در این روش رفتار

نامطلوب (اصرار بر مصرف یک نوع خوراکی مانند کمپوت آناناس) برای مدتی تقویت می شود تا اشباع گردد که معمولاً این تقویت، موجب کاهش فراوانی یا نیرومندی آن شده، پس از مدتی فرد به سیری می رسد. این روش بر خلاف روش تنبیه، معمولاً دارای عوارض جانبی نامطلوب نمی باشد.

البته به این نکته مهم باید توجه کرد که در این روش، یک رفتار مطلوب باید جایگزین رفتار

نامطلوب شود.

د) «تنبیه»: در این روش، معمولاً یک محرک بیزارکننده و عامل نامطلوب بلافاصله پس از یک

پاسخ نامطلوب، یا عمل ناهنجار، ارائه شده تا موجب کاهش، یا ترک و محو رفتار نامطلوب گردد.

هدف تنبیه: آگاه کردن فراگیر از زشتی کاری که انجام داده است. تنبیه و مجازات برای توقف،

کنترل و جلوگیری از نامطلوب هاست به عکس، پاداش که برای تحریک و اکتساب و ایجاد رفتارهای مطلوب است.

عوامل مؤثر در انتخاب چگونگی تنبیه: شخصیت مربی، شخصیت فراگیر، روابط مربی با



فراگیر، روابط مربی با دیگر افراد آن محیط، میزان سن و نوع فراگیر. با توجه به این ۶ مورد، نوع و شیوه بکارگیری تنبیه بگونه‌ای باید انتخاب شود که به آنها آسیب وارد نشود، گاهی عوارض تنبیه غیرقابل جبران است.

تنبیه بدنی: از تنبیه بدنی باید پرهیز نمود.

قال علی رضی الله عنه: «لَا تَضْرِبُهُ وَأَهْجُرُهُ وَلَا تُطَلِّ»^۱

« او را نزن، بلکه برای مدتی کوتاه با او قهر کن»

مسائل مورد توجه در تنبیه:

۱. توجه به نیازهای فراگیر که عامل رفتار نامطلوب شده و تأمین آنها.
 ۲. تفاوت‌های فردی.
 ۳. استفاده به ندرت تنبیه توسط مربی و پس از استفاده از روش‌های مثبت.
 ۴. هنگام خشم اجتناب شدید مربی از تنبیه.
 ۵. تفهیم علت تنبیه (که معمولاً علت تنبیه، دور شدن فراگیر از اهداف تعلیم و تربیت و یا عدم انجام وظایف، تکالیف، انتظارات و توقعات مربی و یا والدین، محسوب می‌شوند)
- * معمولاً تنبیه آخرین طریق تربیتی است. چرا که عدم رعایت موارد فوق توسط مربی - والدین، ممکن است فراگیر - فرزند را به سکوت، کناره‌گیری، دورشدن، تنفر و مبارزه گرایش دهد. در مجموع آثار و عواقب تنبیه مثل تقویت قابل پیش‌بینی نیست، زیرا در بسیاری از مواقع تنبیه، باعث محو رفتار فراگیر نشده، بلکه ممکن است سبب واپس‌زدن آن گردیده و رفتار نامطلوب‌تری جایگزین رفتار تنبیه شده، بشود و رفتار پرخاشگرانه‌ای را از خود بجا بگذارد. البته این هشدار به این معنی نیست که هرگز نباید از تنبیه استفاده کرد.

* تنبیه صحیح از هنرهای یک مربی است.

۱. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴



ه) «محرورم کردن»: مربی، فراگیر را به خاطر انجام دادن رفتاری نامطلوب از دریافت تقویتی (مانند محبت، توجه، پول توجیبی و بطور کلی چیزی که برای فراگیر اهمیت دارد و آن را دوست می‌دارد) محروم می‌سازد. مثل بیرون کردن فراگیر از کلاس (اگر فضای کلاس برای فراگیر مطلوب باشد)

و) «جریمه کردن»: این روش یعنی کسرکردن مقداری از تقویت‌کننده بخاطر رفتار نامطلوب مانند: کسرکردن نمره از فراگیر به علت عدم رعایت مقررات کلاس یا محیط آموزشی، کم کردن از پول توجیبی و....

ز) «اعمال انزوا»: اگر فراگیر، حقوق، امنیت و وحدت محیط را به مخاطره انداخت یکی از شیوه‌های مقابله با آن منزوی نمودن فرد است و مهم اینکه برای استفاده از آن باید به تفاوت‌های فردی توجه نمود.

محاسن اعمال انزوا: توجه به زشتی عمل خود که او را مستوجب کیفر انزوا کرده است، رفع عامل منحل از محیط، رفع حالت تعرض و تنش درونی بر اثر دوری از محیط و جمع.

معایب اعمال انزوا: بریدگی از محیط (بوئژه خانواده) و طردشدن و فرار، حالت تعرض شدیدتر از قبل شدن، به رشد اجتماعی فرد توسط محیط، خلل واردشدن. پس از وصول به اهداف روش اعمال انزوا معمولاً فرد سومی باید واسطه شده، فرد را به محیط، برگرداند و پیوند دهد. لذا وجود فرد سوم (که خود از عوامل تربیتی است) در اعمال انزوا ضروری می‌باشد.

۵-۱۲. مهارت «بی‌توجهی به رفتار نامطلوب»

نادیده‌گرفتن اعمال و حرکات غیرحاد مانند رفتارهای عادی و معمولی. بعضی رفتارها نامطلوب هستند ولی ناهنجار نیستند و هنوز به مرز رفتارهای غیرعادی نرسیده‌اند و در طبقه خطا و اشکال و اشتباهند و نه در طبقه انحراف و شکستن هنجارهای اجتماعی، و به مرحله ضد



ارزشهای فکری و فقهی نرسیده‌اند.

گاهی توجه به این رفتارها، باعث حریص شدن به تکرار شده و به «حسن و قبح‌ها» آسیب رسانده، ممکن است تثبیت شوند، در این حالت ضمن نادیده گرفتن این نوع رفتارها، لازم است به تقویت تفکر صحیح، اصول ارزشی و انگیزه‌های درونی پرداخت. (استفاده از روش عفو)

در مجموع، مربی لازم است در این روش به چهار نکته توجه داشته باشد:

۱. اشکالات، اشتباهات و خطاهای فراگیر نادیده گرفته شده و اغماض گردد. (روش مبالغه در

عفو)

۲. سریعاً نسبت به خطا مجازات صورت نگیرد، بلکه به فراگیر فرصت داده تا به اشتباه خود

پی برده و نسبت به اصلاح و رفع آن اقدام نماید و در حقیقت زمینه برای تربیت درونی مهیا شود.

۳. ضمن بررسی علت رفتار، رفع اشکال شود. یعنی تقویت تفکر صحیح گردد (چرا که منشأ

اشکال در این رفتارها را معمولاً باید در تفکر صحیح جستجو نمود).

۴. عمل و یا عکس‌العمل مربی نباید مساوی و برابر رفتارهای فرد قرار گیرد و والدین

فراگیر را با اولین اشتباه، مجازات ننمایند و به هر گونه تغییر، پیشرفت و تحرک مطلوب فرد پاسخ

مثبت داده شده و نسبت به بعضی از رفتارهای نامطلوب واکنش نشان دهد یعنی اینکه مربی با فراگیر با

فضل برخورد نماید (بیش از رفتار، پاداش داده و کمتر از رفتار مجازات کند) و نه با عدل و ظلم (عدل

یعنی به میزان رفتار پاداش و مجازات نمودن و ظلم یعنی کمتر از رفتار مطلوب پاداش داده شود).

فصل سوم: مهارت‌های تدریس

آنچه در فصل سوم می‌خوانیم:

۱. مهارت « طراحی آموزشی »
۲. مهارت « شناخت فراگیر »
۳. مهارت « ارتباط »
۴. مهارت « جریانات حاکم بر مدار یک کلاس »
۵. مهارت « آشنایی و استفاده از ادبیات فراگیر »
۶. مهارت « رعایت نظم »
۷. مهارت « معارفه »
۸. مهارت « آماده‌سازی »
۹. مهارت « محتوای تدریس »
۱۰. مهارت « جذابیت‌ها »
۱۱. مهارت « محرک‌ها »
۱۲. مهارت « شکل‌دهی ذهن فراگیر با نماد »
۱۳. مهارت « مشارکت فراگیر »
۱۴. مهارت « ایجاد روحیه نشاط در کلاس »
۱۴. مهارت « بازنگری »
۱۵. مهارت « اعمال تشویق، «تمجید»، «پاداش»
۱۶. مهارت « استفاده از مقررات »



۱. مهارت «طراحی آموزشی»

۱-۱. «طراحی آموزشی» چیست؟

اقداماتی است که مدرس برای یک نیمسال تحصیلی و همچنین برای تدریس و اداره یک جلسه، قبل از شروع آنها، بعنوان نقشه راه برای سامان دادن به فعالیت های آموزشی خود طراحی می نماید. مدرس لازم است از توانایی «طراحی آموزشی» برخوردار بوده، چنانچه فاقد آن باشد و یا به اندازه کافی این توانایی را نداشته باشد نمی داند فعالیت آموزشی خود را چگونه به جریان اندازد و چه موقع، کدام امور را انجام دهد و ابهام و اشکالات زیادی به فعالیت های آموزشی او وارد می شود. بطور کلی طراحی آموزشی به فعالیت های مدرس سامان داده، روند آموزشی او را هماهنگ می نماید و مشخص می نماید که از کجا و چه هنگامی شروع کند؟ چه مدت فراگیر را در اختیار دارد؟ در این مدت باید چه مطالبی را و با چه روشی به او آموزش دهد؟ چه هنگامی باید دوره را پایان دهد؟ و ...

۲-۱. اصول «طراحی آموزشی» در تدریس و کلاس داری:

اصولی که در طراحی آموزشی لازم است رعایت شوند عبارتند از:

الف) تعیین اهداف کلی:

هنگام طراحی آموزشی اولین و مهمترین اقدام تعیین اهداف کلی برای مدرس است. هدف نهایی از فعالیت آموزشی را باید بطور دقیق مشخص نماید و به این سؤال پاسخ صریح و روشن دهد که فعالیت آموزشی من برای چیست؟ وظیفه و تعهد و انجام رسالت الهی؟ شغل و درآمد و اشتغال داشتن؟ اصلاح فرد و جامعه؟ ایجاد تغییرات در فراگیر؟ رشد دادن و ایجاد توانایی ها و



مهارتها در فراگیر؟ یا تربیت نمودن؟

ب) انتخاب فراگیر:

مدرس (مربی، دبیر و معلم) لازم است با توجه به توانایی های خود، نوع و سن فراگیرانی را که بخوبی می تواند تحت فعالیت های آموزشی خود قرار دهد را مشخص و انتخاب نماید. مدرس باید نسبت به سطوح سنی مختلف شناخت لازم را بدست آورد تا بتواند با درک آنان به راحتی آنها را تحت تعلیم و تربیت قرار دهد و به انواع روش های تربیتی برای هر سن تسلط کافی پیدا نماید. (لذا باید از علم تعلیم و تربیت اسلامی، روانشناسی رشد و روانشناسی تربیتی و... به اندازه کافی بهره مند شود).

ج) تعیین موضوع، تهیه، تنظیم و تدوین محتوا:

- ۱ - مدرس باید موضوعی که می خواهد تدریس کند را انتخاب نماید. (موضوع: علوم قرآن و حدیث، فقه، تفسیر، اخلاق و علوم تربیتی، عربی، کلام و تجوید و ...)
- ۲ - با توجه به موضوع، باید محتوای مورد تدریس را تهیه، تنظیم و به روشنی تدوین و سازمان بندی نماید.
- ۳ - روش انتقال محتوا یا روش تدریس خود را انتخاب نماید و لازم است بر انواع روش های انتقال محتوا و روش های تدریس مسلط باشد. (این روش ها در فصل پنجم مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد)

۳-۱- کاربرد «طراحی آموزشی» در تدریس و کلاس داری:

طراحی آموزشی بر دو نوع است:

۱-۳-۱- تهیه «طرح کلی»:

مدرس لازم است قبل از شروع نیمسال برای هر درسی که در یک نیمسال قصد تدریس



آن را دارد، یک «طرح کلی» که شامل کلیه فعالیت های آموزشی اوست، تهیه کند.

گام های تهیه «طرح کلی»:

گام اول: تعیین اهداف کلی از تدریس موضوع (که در اصول طراحی آموزشی قبلاً ذکر گردید) و همچنین مشخص نمودن هدف تدریس مبحث هر جلسه.

گام دوم: تعیین سایر فعالیت های آموزشی:

مدرس در هر دوره لازم است جلساتی را به معارفه (معارفه مدرس با فراگیران و فراگیران با دوره، مدرس و درس)، ارزیابی ها (امتحان میان نیمسال و ...)، مرور، رفع اشکالات فراگیران، ترمیم (پس از ارزیابی میان نیمسال و سؤالات کلاسی)، بازدیدها و ... اختصاص دهد.

گام سوم:

۱- مدت دوره مشخص شود: که معمولاً یک نیمسال تحصیلی معادل ۱۶ هفته و حدود ۴ ماه است. مثال برای یک نیمسال تحصیلی:

- هفته های آن، مشخص شود (۱۶ هفته)

- روزهایی از هفته که کلاس تشکیل می شود تعیین گردد، یک روز در هفته یا بیشتر و هر جلسه ۲ ساعت.

۲- تعیین کسری ها: روزها و ساعاتی که به دلایل مختلف از قبیل معارفه، تعطیلات رسمی، مرور و رفع اشکال، امتحانات، ترمیم (پس از ارزیابی) مشخص شوند. (کسری ها بهتر است بیش از ۴ ساعت نشوند).

۳- محاسبه جلسات خالص و مفید برای تدریس: با توجه به تعیین کسری ها، جلسات خالص و مفید به دست می آیند. (معمولاً تشکیل جلسات یک درس در دانشگاه های معتبر حداقل ۱۴ جلسه می باشد).

گام چهارم: تقسیم محتوای تدریس در جلسات یا تعیین مبحث هر جلسه با توجه به زمان خالص و مفید هر جلسه.



۲-۳-۱. طرح درس روزانه:

الف) تعریف:

طرح درس روزانه برنامه‌ای است که مدرس برای هر جلسه تنظیم و تدوین می‌نماید و در آن کلیه فعالیت‌های هر جلسه بطور منظم و هماهنگ طراحی می‌شود.

*طرح درس روزانه کلیه جلسات لازم است قبل از شروع دوره تهیه گردد.

ب) اهمیت و ضرورت:

۱ - طرح درس روزانه عامل مهمی در وصول مدرس به اهداف کلی - مرحله‌ای - رفتاری است.

۲ - برای مدرسانی که اولین تدریس‌ها، ادارهٔ جلسات و کلاس‌ها را تجربه می‌نمایند، بسیار لازم و ضروری است.

ج) فواید:

- ۱- به فعالیت و تدریس مدرس در هر جلسه نظم و هماهنگی می‌بخشد.
- ۲- به مدرس توانایی تسلط بر کلاس و ادارهٔ آن را داده باعث اعتماد به نفس او می‌شود. برای مدرس و فراگیران امنیت خوبی را بوجود می‌آورد.
- ۳- فراموش نشدن مواردی که باید در تدریس لحاظ شوند.
- ۴- از بروز مشکلات و موانع آموزشی جلوگیری می‌نماید.

د) «طرح درس روزانه» یا «مراحل و روند اداره کلاس و یا یک جلسه»:

* در تهیه طرح درس روزانه مدرس لازم است ابتدا مشخصات درس را تعیین نماید: هدف کلی، موضوع تدریس، شمارهٔ جلسه، مبحث هر جلسه.



۱- مرحله اول؛ آمادگی:

در شروع هر جلسه، ابتدا باید فراگیران را در مرحله آمادگی قرار داد تا توجه و افکار آنان متوجه مدرس، کلاس و درس گردد. در این مرحله مدرس لازم است با فراگیران ارتباط آموزشی برقرار نموده و در کلاس جو عاطفی و مطلوبی حاکم کند و در فراگیران روحیه نشاط ایجاد نماید. دیگر اقداماتی که معمولاً در این مرحله لازم است انجام گیرند، عبارتند از:

الف) حضور و غیاب همراه با تعامل احساسی برابر، ذکر مطلب یا موضوعی غیرمرتبط با موضوع بحث روز (مانند عجایب و زیباییهای خلقت، ثبت یک بیت شعر یا آیه یا حدیث کوتاه و کاربردی بر تابلو، ذکر اعمال ایام، طرح فراهایی از ادعیه مانند شعبانیه، عرفه و ...)، ثبت فعالیت‌های آن روز کنار تابلو، احوالپرسی‌ها، سخنان امیدوارکننده و هدفمند و ...

ب) آماده‌سازی محیط آموزشی و کلاس و امکانات موجود از قبیل نور، دما، تابلو و وسایل آموزشی و کمک آموزشی.

ج) رفع عوامل مخل و بازدارنده مانند سروصدای خارج از کلاس و ...

۲- مرحله دوم؛ ارزشیابی تشخیصی و بیان مقدمه درس جدید:

در مرحله دوم مدرس ابتدا در زمان کوتاهی از درس گذشته ارزشیابی بعمل آورده و تعیین رفتار ورودی نموده تا برای او مشخص شود که درس جدید را چگونه و از کجا شروع نماید. این ارزیابی، معمولاً با سؤالات از قبل تعیین شده توسط مدرس از فراگیران و مباحثه آنان با هم، انجام می‌شود. در بخش دوم و ادامه این مرحله، یعنی در مقدمه درس جدید لازم است برای ایجاد انگیزه جهت پذیرش درس، اسم درس، هدف و اهمیت آن گفته شود و سپس بطور کوتاه برای ورود به مطلب اصلی آن روز، مقدمه‌ای با توجه به موضوع درس بیان گردد. لازم به ذکر است چنانچه درس گذشته برای درس جدید مبنا بوده و با ارزشیابی که بعمل آورده، مشخص شود که



درس گذشته بخوبی یادگیری نشده، لازم است ابتدا بطور فشرده موارد مهم درس قبل را یادآوری نماید.

۳- مرحله سوم؛ انتقال مطلب اصلی:

مطلب اصلی همان محتوای درس روز می باشد. که در این مرحله همانگونه که قبلاً مطرح شد در سه بخش «طرح عنوان»، «نماد» و «مضمون» به فراگیر منتقل می شود.

۴- مرحله چهارم؛ استنتاج و نتیجه گیری و یا جمع بندی:

بهتر است ابتدا درس روز توسط فراگیران خلاصه و نتیجه گیری شود و خلاصه و جمع بندی و نتیجه گیری نهایی از درس روز لازم است در زمان کوتاهی توسط مدرس و بطور مشخص و واضح انجام گیرد.

۵ - مرحله پنجم؛ ارزشیابی:

برای اطمینان از فراگیری مطلب اصلی و ادراک آن و تعیین میزان موفقیت و اینکه مشخص شود تا چه حدودی اهداف درس روز به ثمر رسیده و اطلاع از میزان یادگیری فراگیران، ارزشیابی انجام می شود. مدرس می تواند با توجه به نتایج این ارزشیابی به اصلاح و ترمیم تدریس آن روز خود پردازد.

این ارزشیابی به اشکال مختلفی امکان پذیر می باشد، نتایج این ارزشیابی برای مدرس می تواند تعیین رفتار ورودی برای جلسه بعد نماید.

* گاهی ممکن است مرحله چهارم و پنجم به موازات هم انجام شده و یا در هم ادغام شوند.

۶- مرحله ششم؛ اختتام:

- برای استمرار رابطه فراگیر با درس تا جلسه بعدی، فعالیتی به عنوان تمرین یا تکلیف معین می شود.



- با توجه به نتایج ارزشیابی که در مرحله قبلی انجام گرفت، چنانچه نیاز است برای ترمیم تدریس، فعالیتی برای فراگیر تعیین می شود.

- همچنین در این مرحله مدرس چنانچه نیاز است، با توجه به موضوع می تواند توصیه ها، تشویق ها و موارد مشابهی را مطرح نماید، این موارد باعث افزایش انگیزه در فراگیر می شود.

- مدرس لازم است برای ایجاد روحیه مطلوب برای ترک کلاس سخنانی را ایراد نماید تا همچنان مدرس، موضوع و مطلب و کلاس مورد پذیرش فراگیر (مطلوبیت + مقبولیت) بماند.

خاتمه کلاس می تواند شعر یا جمله کوتاه ادبی و یا دعایی با مفهوم و از پیش تعیین شده توسط فراگیران و یا مدرس باشد.

۲. مهارت « شناخت فراگیر »^۱

۲-۱. یکی از ضروری ترین وظایف مدرس شناخت فراگیر است،

لذا در تدریس باید سطح فهم و توانایی های ذهنی، علاقه و نیازهای فراگیر و... را در نظر گیرد.

۲-۲. زمینه های شناخت:

برای مدرسین، دبیران، معلمان، مربیان و ... شناخت فراگیر در زمینه های مختلف، لازمه تعلیم و تربیت است، این زمینه ها عبارتند از: برنامه تربیتی و سیر رشد فراگیر، تمایلات، نیازها، خواسته ها، استعدادها، توانایی ها، خصوصیات و خصلت های اخلاقی، سوابق اجتماعی و ...

۳. مهارت « ارتباط »

بعضی از مدرسین (دبیران، مربیان و معلمان) به تأثیر فرآیند ارتباط در یادگیری اهمیت نداده و رسالت خود را به حاضر شدن در کلاس، بیان محتوا، امتحان و نمره دهی پایانی محدود نموده، به

۱. مراحل شناخت (برای ازدواج نیز جاری است): الف) مقدمات آشنایی ب) آشنایی کلی ج) شناخت کلی د) شناخت اجمالی ه) شناخت اصولی و) شناخت تکمیلی



میزان و نوع یادگیری فراگیر، پرورش استعدادها و تربیت فراگیر در جنبه‌های مختلف، توجه لازم را ندارند. در صورتی که هرچه بر دانش بشر افزوده شده بهره‌مندی از فرآیند ارتباط برای نظام‌های آموزشی و مدرسین (دبیران، مربیان و معلمان) بیشتر ضرورت یافته است و آن بعنوان یک اصل و عامل تعیین‌کننده در یادگیری و تربیت تلقی می‌گردد.

۱-۳. مفهوم‌شناسی فرآیند ارتباط

ارتباط در لغت یعنی پیوند دادن و ربط دادن و در اصطلاح یعنی برقراری رابطه بین دو فرد (در شبانه‌روز در تعامل با دیگران بطور فراوان، ارتباط برقرار می‌کنیم) و تعریف ارتباط عبارت است از فرایند انتقال و تبادل افکار، اندیشه‌ها، احساسات و عقاید در دو فرد یا بیشتر، با استفاده از علائم و نماد مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر.

۲-۳. ارتباط در فرایند تدریس

منتقل شدن پیام از فرستنده‌ی آن (مربی) به گیرنده (فراگیر) به طوری که مفاد پیام ادراک شود، مشروط به اینکه محتوای پیام مورد نظر فرستنده، به گیرنده پیام، منتقل شود و بالعکس.

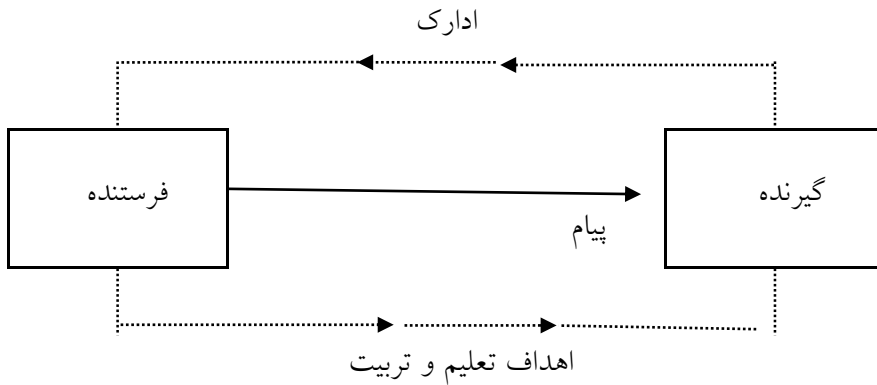
۳-۳. تحلیل ارتباط در فرآیند تدریس

- ارتباط، یک مدار و مجموعه اعمال است.
- فرآیند انتقال، جریان دارد.
- مفاهیم منتقل می‌شوند.
- منظور مشترک از مفاهیم بین طرفین بوجود آید.
- هدف ارتباط تأثیر، هدایت و تعلیم برای تربیت صحیح می‌باشد و آن تعیین‌کننده نوع و روش ارتباط است.
- پیام دارای محتواسست و آن درسی است که تدریس می‌شود.



- در ارتباط، وجود ۳ عنصر لازم است: فرستنده، گیرنده، پیام
- پیام وقتی منتقل می شود که توسط گیرنده ادراک شده باشد.
- آغازگر و برقرارکننده ارتباط، مدرس است.
- مربی «دبیر، معلم و مدرس» در جریان ارتباط، لازم است جوّ و فضا را برای پذیرش و روند ارتباط مساعد نماید.
- فضای عاطفی و محبت نمودن می تواند زمینه ساز خوبی برای شروع ارتباط و موفقیت آن باشد.

* ارتباط کامل = انجام رسالت الهی * تدریس صحیح = برقراری ارتباط



۳-۴. روش های ارتباطی

۱ - ۴ - ۳ - ارادی و غیرارادی

ارادی: با طرح و برنامه ریزی قبلی و حساب شده، مانند تهیه طرح درس قبل از رفتن به کلاس.
غیرارادی: بدون طرح و برنامه ریزی قبلی.

۲ - ۴ - ۳ - رسمی و غیررسمی

رسمی: در محیط های رسمی مانند سازمان های اداری و آموزشی با ابلاغ آیین نامه و مقررات برقرار می شود.



غیررسمی: بین دو نفر یا دو گروه بطور عادی و غیررسمی برقرار می‌شود، این نوع ارتباط معمولاً صمیمانه‌تر و عمیق‌تر از ارتباط رسمی است.

۳- ۴- ۳- کلامی و غیرکلامی

کلامی: انتقال پیام با استفاده از «رمزهای کلامی» مانند بحث و گفتگو، تعریف یا توضیح شفاهی یک مطلب.

غیرکلامی: انتقال پیام با استفاده از رمزهای غیرکلامی مانند حرکات (حرکات دست و چشم)، صدا و زنگ (آژیر آمبولانس)، علائم و نماد (علائم راهنمایی و رانندگی) و ...

* در تعلیم و تربیت ارتباط غیرکلامی مطلوب فراگیران بوده و باید به آن اهمیت ویژه داد.

۴- ۴- ۳- مستقیم و غیرمستقیم

مستقیم: حضوری و بدون واسطه بین فرستنده و گیرنده، این ارتباط می‌تواند صمیمانه‌ترین و کامل‌ترین نوع ارتباط باشد. (زیرا ارتباطی است که انواع روش‌های ارتباطی دیگر در آن بکار گرفته می‌شود.)

غیرمستقیم: غیرحضوری و با واسطه است و معمولاً برای همدیگر ناآشنا هستند مانند ارتباط بین نویسنده و خوانندگان یک کتاب.

مدرس، در جلسات و کلاس‌های خود از این نوع ارتباط برای تعلیم و تربیت مطلوب، لازم است استفاده نماید.

۵- ۴- ۳- فردی و جمعی

فردی: معمولاً بین دو نفر است و بیشتر جنبه‌ی حضوری و شخصی دارد.

جمعی: بین یک نفر با یک گروه یا گروهی با گروه دیگر است که یا مستقیم مانند سخنرانی در مجالس پرجمعیت بوده و یا غیرمستقیم مانند مطبوعات و صدا و سیما.



۶- ۴- ۳- یک طرفه و دوطرفه

یک طرفه: پیام از فرستنده به گیرنده ارسال می شود و گیرنده عکس العملی به فرستنده منتقل نمی کند. مانند ارتباط توسط صدا و سیما و مطبوعات.

دوطرفه: نقش فرستنده - گیرنده دائماً در جریان ارتباط عوض می شود و ارتباط بعدی بر اساس عکس العمل گیرنده و فرستنده تعیین می شود. مانند ارتباط مستقیم مدرس «دبیر، معلم و مربی» و فراگیر در کلاس و جلسات که مؤثرتر از ارتباط یک طرفه است.

۴. مهارت «جریانات حاکم بر مدار کلاس»

۴-۱. رابطه و جریان آموزشی و یادگیری

در فضای یک کلاس ممکن است کلیه فعالیت های آن، فقط بر مبنای تعامل آموزش و یادگیری استوار بوده و هدف، یادگیری یک علم و انتقال اطلاعات پیرامون آن باشد (که معمولاً بر مبنای منبع و سرفصل درس است).

۴-۲. ارتباط عاطفی

فراده علاوه بر انتقال مطلب علمی و اطلاعات، ممکن است با فراگیران خود ارتباط عاطفی برقرار نموده، بین آنها مطلوبیت برقرار گردد و این خود زمینه ساز انتقال انتخابها، ارزشها و معیارهای فراده به فراگیر خواهد شد.

۴-۳. رابطه فکری

ممکن است بین فراده و فراگیر رابطه فکری برقرار شود. فراگیر در این حالت، به نوعی، مجموعه افکار فراده را پذیرش نموده، به عنوان اصول فکری خود مورد مقبولیت قرار می دهد. در نتیجه، این رابطه فکری، در انتخابها و ارزشگذاریهای فراگیر، شخصیت او و ... تأثیرگذار خواهد بود.



* مقبولیت و مطلوبیت مساوی است با پذیرش مدرس.

۴-۴. جریان تربیتی

در این حالت، در کلاس، فراده یا بهتر است گفته شود مربی (تنها جایی که می‌توان به فراده نام مربی اطلاق کرد در این حالت است) کلیه‌ی فعالیت‌های آموزشی، یادگیری، انتقال مطلب و ... خود را با هدف تربیت فراگیر، تنظیم می‌نماید.

۴-۵. «تعامل احساسی - شناختی»

یکی از جریان‌های دیگر بین مدرس و فراگیر، «تعامل احساسی - شناختی» است که عمیق‌تر و هدفمندتر از جریان تربیتی است و آن رابطه و تأثیر متقابلی است بین مدرس و فراگیر که در آن وی از نظر احساسات، افکار، ذائقه‌ها و حالت‌های درونی، توسط مدرس درک شده است و فراگیر این موضع مدرس را به خوبی متوجه شده، احساس می‌کند که افکار، حالات درونی و استعداد‌های وی، توسط مدرس کشف و فهمیده شده است. این حالت برای فراگیر مطلوب بوده، او نیز واکنش مثبتی از خود بروز می‌دهد. «تعامل احساسی - شناختی» می‌تواند سرمایه مؤثری برای اهداف تربیتی مدرس و نظام آموزش و پرورش باشد و زمینه‌ساز بسیار خوبی برای به جریان درآوردن اهداف تعلیم و تربیت در کلاس است.

در حقیقت «تعامل احساسی - شناختی» ابزاری است برای مدرس، زمانی که هدف او، رشد، ساخت و تربیت می‌باشد. (تربیت فکری، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و درونی)

معمولاً مراجع و بزرگان حوزه‌های علمیه با بهره‌مندی از این جریان، چهره‌های برجسته‌ای را همواره تربیت نموده‌اند.

*جریان‌ات فوق‌الذکر «جریان‌ات پنجگانه تعلیم و تربیت» نامیده می‌شوند.



۴-۶. جریان های دیگری نیز ممکن است در یک کلاس یا محیط های آموزشی برقرار شود. از قبیل جریان های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.

۵. مهارت « آشنایی و استفاده از ادبیات فراگیر »

فراگیر با استفاده از ادبیات روز جامعه، ممکن است به ادبیات جدید و مغایر با مدرس « دبیر، معلم و مربی » دست یابد، لذا مدرس باید با ادبیات هر نسل آشنا باشد تا با رعایت این ادبیات، توسط فراگیر، پذیرش شود. سپس مدرس می تواند بر او احاطه یافته، وی را به سوی اهداف تعلیم و تربیت حرکت دهد. سن بلوغ گرایش به طغیان گری داشته و ادبیات متفاوتی را می طلبد.

۶. مهارت « رعایت نظم »

یکی از مهارت های مهم تدریس و کلاس داری رعایت نظم است. رعایت نظم در کلیه امور، امری بدیهی و از موضوعات بسیار مهم، ارزشمند و تعیین کننده در همه زمینه ها است. با اندک توجه درمی یابیم که آفرینش و بقای موجودات در نظام خلقت و پدیده های آن همواره بر اساس نظم بوده است.

رعایت نظم برای مدرس (دبیر، معلم و مربی) از الزامات تدریس و کلاس داری است. آرامش خاطر، نشاط و شادابی، صرفه جویی در وقت و امکانات، بهره وری بیشتر، وصول به اهداف تعلیم و تربیت و ... از فواید نظم است.

منشأ نظم معمولاً تفکر صحیح است. مدرس با رعایت نظم می تواند در ساخت فکری فراگیر نقش تعیین کننده ای را ایفا کند. لذا فراگیران لازم است در تعامل با مدرس، نظم در امور را مشاهده نمایند و کلیه فعالیت ها، برنامه های آموزشی مدرس، بر اساس نظم و ترتیب به قراگیران و مرکز آموزشی و ... ارائه گردد.



۷. مهارت « معارفه »

در جلسه اول هر دوره لازم است به معارفه پرداخته شود. لذا به آن «جلسه معارفه» نیز گفته می شود.

ساخت ذهنی فراگیر و نگرش او در دقایق اولیه شروع اولین جلسه، شکل یابی می شود. لذا جلسه اول در قضاوت مطلوب یا نامطلوب فراگیر و همچنین در تشکیل نگرش مثبت و منفی فراگیر و مدرس بسیار مؤثر می باشد. در نتیجه مدرس باید به گونه ای رفتار نماید تا فراگیران از عنوان درس، کتاب، مدرس و فضای کلاس، نگرش مطلوبی را به دست آورند.

انواع معارفه:

الف) معارفه مدرس با فراگیر: بخشی از این معارفه قبل از شروع نیمسال و جلسه اول با کسب اطلاعات از منابع ذریبط و یا در جلسه ی اول، قابل انجام است، (از نظر دوره، رشته و نیمسال تحصیلی و...)

ب) معارفه فراگیر با مدرس: با تحصیلات، سوابق، توانائیها، تخصص مدرس آشنا می شوند.

ج) معارفه فراگیر با درس و موضوع، کتاب و منبع، شرایط و قوانین کلاس و مدرس و ...

۸. مهارت « آماده سازی »

هدف از آماده سازی تمرکز حواس فراگیر، ایجاد تفکر، علاقه و انگیزه برای یادگیری است. قبل از شروع تدریس، مدرس (دبیر، معلم و مربی) باید فراگیران را برای یادگیری درس روز آماده سازد. توجه و افکار هر کدام از فراگیران ممکن است تحت تأثیر عاملی باشد و یا متوجه مسائلی که قبل از ورود به کلاس به آن فکر می کرده و یا پس از پایان یافتن کلاس، قصد انجام دادن آن را دارد، معطوف باشد. لذا، مدرس لازم است، توجه فراگیران را به درس، فضای آموزشی کلاس و مدرس، جلب نماید.

مرحله آماده سازی می تواند ایجاد جذابیت ها و روحیه نشاط نماید. لذا مدرس لازم است با سلیقه و



ذوق و هنر خود، بطور جالب، فراگیران را برای تدریس آماده سازد. آماده سازی زمینه ساز برقراری ارتباط صحیح آموزشی و ایجاد ارتباط عاطفی بین مدرس و فراگیر است.

۹. مهارت « محتوای تدریس »

۹-۱. محتوای تدریس چیست؟

مفاهیمی است که باید به نوعی نیازهای فراگیران را تأمین نماید و متناسب با درک و شرایط آنان باشد، لذا ابتدا باید مشخص شود که چه باید یاد گرفته شود، سپس بر مبنای آن محتوی تنظیم گردد.^۱

۹-۲. نحوه ارائه محتوا:

۹-۲-۱. مدرس لازم است به «بیان» محتوا اکتفا ننموده، بلکه محتوا را «انتقال» دهد.

تفاوت بین «بیان» و «انتقال»:

الف) بیان: محتوا توسط مدرس بیان و ارائه می شود. در این حالت ممکن است فراگیر همه ی محتوا را ادراک ننموده و مضمون آن ادراک نشده و یا بخشی از آن را ادراک نماید.

ب) انتقال: با برقراری ارتباط توسط مدرس و با ایجاد شرایط لازم، کلیه محتوا توسط فراگیر ادراک شده و مضامین محتوا به او انتقال می یابد.

۹-۲-۲. اصل نمودن موضوع:

یکی از عوامل مهم که در اثرگذاری محتوا بر فراگیر نقش اساسی و تعیین کننده ای را ایفا می کند اصل نمودن یک موضوع کلی، و سپس ارائه مبحث مورد نظر است و آن بدین شکل قابل اجراست که مدرس در گام اول، ابتدا یک موضوع و یک اصل غیرقابل انکار را ارائه می نماید و فراگیر آن را

۱. مبنای تهیه و تنظیم محتوا: - با توجه به اهداف تعیین و تنظیم گردد. - میزان علاقه و رغبت فراگیران در نظر گرفته شود. - متناسب با توانایی ها و استعداد های فراگیران باشد (= قابلیت فهم). - عامل ساخت و رشد فکری باشد، نه ارائه مقداری اطلاعات و محفوظات. - تازگی، جذابیت مطلب، مرتبط با مسائل روز و منطبق با زمان آموزش بودن، از دیگر اصول مهم تهیه و تنظیم محتواست.



بعنوان مبنا و اصل مورد قبول و پذیرش قرار می دهد.

در گام دوم مدرس مبحث مورد نظر، که هدف اصلی اوست را ارائه می نماید و بر آن اصل منطبق می نماید. مانند: اصل نمودن توحید برای مبحث نماز، اصل نمودن قرآن برای مبحث حجاب، اصل نمودن حلال و حرام برای مبحث مسائل مالی، معاملات و ربا، اصل نمودن حسن خلق برای مبحث معاشرت با مردم.

۳-۹. اجزای محتوا

محتوای درس معمولاً از قسمت های مختلف تشکیل می شود که مدرس برای هر قسمت، لازم است آن را در سه بخش تدریس و به فراگیران منتقل نماید.

الف) طرح عنوان: این بخش معرفی عنوان به صورت سؤالی و یا بطور مثبت طرح می شود و برای انتقال آن لازم است، از اصل گویایی استفاده شود. (بدون ابهام و برداشت های متفاوت).

ب) نماد: علائم و قالب هایی هستند که برای انتقال مفاهیم بکار می روند و در کاربرد آنها باید به سطح دانش و ادبیات متناسب با فراگیر توجه شود، مانند: استفاده از مثال ها، نمودارها، جداول، اشعار، حکایات کوتاه، ضرب المثل ها، آیات و احادیث و ...

ج) مضمون: مهم ترین و با ارزش ترین بخش محتوا مضمون است و «طرح عنوان» و «نماد» وسیله انتقال مضمون هستند و آنچه باید ادراک و عمل شود مضمون است نه «طرح عنوان» و «نماد».

* برای انتقال محتوا لازم است، مطلب درس روز به واحدهای کوچک تقسیم شود. همچنین متناسب با مطلب روز، از تمرین و تکرار یا سؤال و جواب یا مباحثه و یا تلفیقی از آنان استفاده گردد. این مهم «فعالیت تکمیلی» نامیده می شود.



۱۰. مهارت « داشتن جذابیت ها »

یکی از مهارت های مهم اداره انواع کلاس ها و جلسات و سخنرانی ها وجود جذابیت هاست. جذابیت ها برای هر مدرس، نقش بسیار حساس و مهمی را در موفقیت او، اداره کلاس، وصول به اهداف آموزشی و تربیتی او، ایفا می نمایند. همانگونه که قبلاً نیز ذکر گردید نقش تعیین کننده ای را در موارد ذیل بر عهده دارند:

(الف) جذب فراگیران

(ب) حفظ آنان و ماندن در روند آموزشی

(ج) ایجاد تغییرات، ساخت، رشد و تربیت فراگیران

انواع جذابیت ها

(الف) روش تدریس

(ب) فضای آموزشی (فضای فیزیکی و فضای عاطفی)

(ج) موضوع و مطلب

(د) جاذبه ها و گیرایی خصوصیات مطلوب اخلاقی، اجتماعی، رفتاری و فکری مدرس

۱۱. مهارت « استفاده از محرک ها »

یکی دیگر از مهارت های اداره کلاس های تربیتی استفاده از محرک هاست. اگر بر اثر عاملی، آرامش و روند کلاس با اختلال روبرو شود، مدرس باید محرک قوی تری از آن عامل، به محیط وارد کند. او باید به مجموعه ای از محرک ها مجهز شده تا هرگاه لازم شود یکی از آنها را وارد محیط نموده، تأثیر تحمیل آن عوامل را برطرف و خنثی کرده، بر کلاس استیلا یابد.

چنانچه عامل بازدارنده و مخل، از سوی یکی از فراگیران باشد، مدرس نباید از خود واکنش و عکس العمل منفی بروز دهد، بلکه باید مراقب رفتار و گفتار خود و دیگر فراگیران بوده تا آنان، فراگیر



مخل را زیر سؤال نبرند و به شخصیت و جایگاه او در کلاس، همچنین به روابط مدرس با آن فراگیر، خدشه وارد نشود. محرک‌های عاطفی از همه قوی‌تر و بقای بیشتری دارند. بعضی از محرک‌ها عبارتند از: حکایات، مثال‌ها، عکس‌العمل‌های جهت‌دار و اختیاری مدرس مانند سکوت و

* محرک‌ها می‌توانند عامل «حصول کانون توجه» نیز باشند.

۱۲. مهارت « شکل‌دهی ذهن فراگیر با نماد »

این فعالیت مدرس از اصول مهم در حین تدریس می‌باشد و او لازم است هر مطلبی را که انتقال می‌دهد آن را با نماد متناسب با موضوع مربوطه، همراه کرده، مضمون را در قالب نماد، شکل‌دهی نماید. متن حدیث و یا آیه، بیان حکایت و داستان جالب، مثال‌های روشن و اشکال مختلف، توزیع محتوا با نمودارهای منظم و ... می‌توانند نماد برای مضمون باشند. این اصل باعث سهولت در یادگیری شده و بقاء و تثبیت آموخته‌ها و مطالب یادگیری شده را به دنبال دارد.

* یکی از عوامل مهم موفقیت مدرس، استفاده از روش تدریس مناسب با موضوع و محتوای

مورد تدریس می‌باشد.

لذا مدرس (دبیر، معلم، مربی) لازم است با انواع روش‌های تدریس به خوبی آشنا شده و بر آنها تسلط یافته، متناسب با اهداف آموزشی، موضوع، جنس، سطح سنی و سطح دانش فراگیران روش تدریس هر جلسه را انتخاب نماید.

لذا توصیه می‌شود کتاب‌های مهارت‌های آموزشی و پرورشی دکتر حسن شعبانی، کلیات روش‌ها و فنون تدریس و روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس آقای امان‌الله صفوی، راهنمای روش‌های نوین تدریس دکتر محرم آقازاده مطالعه گردد.



۱۳. مهارت « مشارکت فراگیر »

در دهه های اخیر نظام آموزشی کشور، بسان بعضی از کشورهای پیشرفته، به این نتیجه رسیده که مشارکت فراگیران نقش مؤثر و تعیین کننده ای در فرآیند تدریس دارد، لذا این اصل مهم در اداره کلاس های تربیتی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

مدرس (دبیر، معلم، مربی) در هنگام تدریس لازم است بطور مداوم، فراگیران را در روند تدریس خود و مدار کلاس، نگره داشته، هرچه گام به گام جلو می رود فراگیران را مشارکت دهد. این مشارکت به اشکال مختلفی ممکن است حاصل شود، از قبیل: پرسش های پیگیر (مدرس از فراگیر، فراگیر از فراگیر)، ارائه مسئولیت های کلاس به عهده آنان، واگذاری حل مسأله بعهده فراگیران، تمرین و تکرار، انواع مباحثه ها و ... ، نتایج این فعالیت مهم مدرس عبارتند از: ایجاد روحیه نشاط، جذابیت روش تدریس و فضای آموزشی کلاس، غلبه بر خستگی زودرس، اتمام کلاس در زمان مقرر، رعایت سقف حد نصاب جلسات (۱۶ جلسه) و زمان کلاس (حداقل ۱۰۰ دقیقه)، یادگیری مؤثرتر و بیشتر، بقای بیشتر یادگیری ها و کاربرد آنها در موقعیت های زندگی و

۱۴. مهارت « ایجاد روحیه نشاط در کلاس »

ممکن است بین مدرس و فراگیران تفاوت سطح سنی وجود داشته باشد، برای رفع بازدارندگی این موضوع و همچنین به دلایل متعدد دیگر، ایجاد روحیه نشاط اصل مهمی در تدریس و یادگیری محسوب می شود و می توان گفت:

ایجاد روحیه نشاط در کلاس، لازمه کلاس داری است و از اصول مهم اداره کلاس های

تربیتی می باشد.



عوامل ایجادکننده روحیه نشاط در کلاس و فراگیر:

- ۱- جذابیت های چهارگانه
- ۲- جو عاطفی
- ۳- تعامل احساسی - شناختی
- ۴- انواع تشویق ها
- ۵- مشارکت فراگیران
- ۶- محرک های مطلوب قوی
- ۷- تبدیل فکر به تفکر در حین تدریس
- ۸- کاربرد نماد در تدریس هر ریز موضوع
- ۹- استفاده از حکایت ها و داستان ها در ضمن ارائه محتوا
- ۱۰- تبدیل ارائه مطلب به انتقال مطلب (یعنی رسیدن فراگیر به مرحله ادراک مطلب)

۱۵. مهارت « بازنگری »

۱۵-۱. مدرس (دبیر، معلم و مربی) و هر نظام آموزشی لازم است، هر مدت یکبار فعالیت های خود را، جهت اصلاح و بهبود، مورد بازنگری قرار داده تا از خلل در کیفیت برنامه های آموزشی جلوگیری بعمل آید.

یکی از مواقعی که بازنگری ضرورت می یابد ناآرامی هاست، ناآرامی فراگیر یا فراگیران در کلاس پیامی است برای مدرس. لذا برای رفع اشکالات و خطاهای احتمالی خود باید بازنگری نماید.

۱۵-۲. انواع بازنگری

۱۵-۲-۱. الف) بازنگری توسط مدرس: نداشتن طرح کلی یا طرح درس روزانه، عدم تسلط بر مطلب، بیان مطلب بجای انتقال مطلب، عدم تنوع در تدریس، عدم استفاده از تشویق، فقدان جذابیت ها، تهدیدهای مداوم، تندی و سوء رفتار مدرس، تبعیض ها، عدم امنیت لازم و ... ممکن



است از اشکالات احتمالی مدرس باشد.

ب) **بازنگری علمی:** تطبیق فعالیت‌ها با اصول و قوانین کلاسداری و تعلیم و تربیت و ...

۲ - ۲ - ۱۵. بازنگری توسط کارشناس.

۳ - ۲ - ۱۵. بازنگری توسط فراگیران بطور کتبی یا شفاهی.

۱۶. مهارت « اعمال تشویق»، «تمجید»، «پاداش»

* تشویق لازمه تربیت است.

الف) کاربرد انواع تشویق‌ها (اعم از تشویق زبانی، احترام به شخصیت افراد و درک آنان و

اهداء جوایز که پایین‌ترین حد آن است) از ملزومات تربیت است.

استفاده به موقع از تشویق، در نظرگرفتن عامل زمان و مکان در آن، به کاربردن میزان لازم و

رعایت شرایط سنی در تشویق باعث ایجاد اطمینان درونی در افراد، همچنین حاکم‌شدن روحیه

نشاط بر فرد و ترغیب فراگیر در روند تربیت می‌گردد.

بنابراین مربی و معلم لازم است برای تغییراتی چون: کاهش، رفع، جلوگیری، ایجاد و

نگهداری و تقویت رفتارها از تشویق به عنوان عاملی مؤثر و ضروری در تربیت استفاده نماید.

ب) همچنین عامل مهم دیگر تمجید و توجه به فراگیران است، تمجید، وصف عامل و

موضعی است که جنبه پذیرش و تأیید مربی را داشته باشد. با توجه‌نمودن به فراگیر و رفتارهایش

او را مورد تمجید، تعریف و تحسین قرار داده، نتیجه این توجه و تمجید آنست که فراگیر حس

کند توسط مربی درک شده است، لذا ارتکاب اعمال ناپسند را قبیح و زشت محسوب خواهد کرد.

ج) پاداش عامل و محرکی است بعد از پاسخ و گاهی مربی - والدین لازم است در پاداش

مبالغه نموده و از این روش استفاده نمایند.



وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶) ^۱

«البته پاداش کسانی را که صبر پیشه نموده‌اند، بهتر از آنچه عمل کرده‌اند، خواهیم داد.»
در روش مبالغه در پاداش، در مقابل عمل مطلوب فراگیر، لازم است اقدامات کاربردی زیر انجام شود:

۱. دادن پاداش بیش از عمل و استحقاق فراگیر.
 ۲. ملاک قراردادن اعمال برجسته و شاخص، برای اعطاء پاداش.
 ۳. نادیده گرفتن ضعف‌ها.
- نتایجی که از این اقدامات حاصل می‌شود:
- الف) ایجاد انگیزه و رغبت در فراگیر.
 - ب) ایجاد تلاش در فراگیر برای اصلاح خود و انجام عمل بیشتر و بهتر.
 - ج) مطلوب واقع شدن مربی در نظر فراگیر (پذیرش).
 - د) ماندن در راه تربیت (مهم‌ترین نتیجه).

۱۷. مهارت «استفاده از مقررات»

یکی از راه‌های مقابله و اصلاح مشکلات رفتاری این است که مربی با ایجاد جو مطلوب در کلاس، قوانین و مقرراتی را در نظر گرفته و آنها را تبدیل به اصل نموده و با تشویق به رعایت کردن فراگیران و ترغیب آنها، اصلاح تدریجی حاصل نماید. در زمینه کاربرد مقررات و قوانین، توجه به این موارد ضروری است:

۱. وضع مقررات به طور گویا، کوتاه، ساده و مثبت.
۲. تفهیم مقررات و اعلام یا در معرض دید قرار دادن آنها.
۳. مشارکت فراگیران در وضع آنها.

فهرست منابع و مآخذ

- * قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی
- * نهج البلاغه، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی
- (۱) باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹ ه.ش.
 - (۲) تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ه.ش.
 - (۳) حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، ترجمه جعفری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ ه.ش.
 - (۴) دشتی، محمد، **نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام**، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۹ ه.ش.
 - (۵) دوان شولتز، **نظریه‌های شخصیت**، مترجمان یوسف کریمی ... [و دیگران]، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۸۴ ه.ش.
 - (۶) راغب اصفهانی، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه دکتر سید غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳ ه.ق.
 - (۷) سالاری فر، محمدرضا، **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ه.ش.
 - (۸) شعبانی، حسن، **مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰ ه.ش.
 - (۹) شکوهی، غلامحسین، **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، مشهد، شرکت به‌نشر، ۱۳۷۸ ه.ش.
 - (۱۰) شکوهی یکتا، محسن، **تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)**، تهران، چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
 - (۱۱) صفوی، امان‌الله، **کلیات روشها و فنون تدریس (متن کامل)**، تهران، انتشارات معاصر، ۱۳۸۶ ه.ش.
 - (۱۲) طباطبائی، سید محمدحسین، **تفسیرالمیزان**، ترجمه استاد ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۷۶ ه.ش.
 - (۱۳) طبرسی، ابوالفضل بن حسن، **مجمع‌البیان**، ترجمه علی کرمی، تهران، فراهانی، ۱۳۸۰ ه.ش.
 - (۱۴) طوسی، محمد بن الحسن، **الامالی**، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ه.ق.

- (۱۵) قمی، عباس، **سفینه البحار**، قم، اسوه، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- (۱۶) کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، ولیعصر علیه السلام، ۱۳۷۷ هـ. ش.
- (۱۷) لوئیس معلوف، **المنجد عربی بفارسی**، مترجم: محمد بندرریگی، تهران، ایران، ۱۳۸۴ هـ. ق.
- (۱۸) مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام**، تهران، لمکتبة الاسلامیه، ۱۳۹۷ هـ. ق.
- (۱۹) آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، امام امیر المؤمنین علیه السلام، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ هـ. ش.
- (۲۰) آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ هـ. ش.
- (۲۱) آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- (۲۲) آیت الله مکارم شیرازی، **کلیات مفاتیح نوین**، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ هـ. ش.